

# باسمِ اَحمدِ الرَّحمنِ الرَّحيمِ

## رویدادها و تحلیل‌ها

پیش شماره ۲

آبان ماه ۱۴۰۲

مجموعه ای که پیش روی شماست تحلیل برخی رویدادهای مهم داخلی و خارجی است که محورهای آن در نشست‌های هم‌اندیشی با حضور صاحب‌نظران این عرصه تعیین و توسط کارشناسان مسائل روز تدوین و نگارش یافته است. تلاش نویسندگان و تحلیل‌گران براین است که مطالب ارائه شده نزدیکترین تحلیل به نگاه شورای مرکزی شورای ائتلاف نیروهای انقلاب اسلامی باشد و مورد توجه و استفاده اعضای شورای ائتلاف در سراسر کشور قرار گیرد. از نظرات و پیشنهادات مخاطبان برای تقویت این مجموعه استقبال می‌نماییم.



## تحلیل سیاسی

### اصلاح طلبان ساختاری و نمایش قهر - آشتی در انتخابات آینده

یکی از طیف های مهم در جریان اصلاحات که به دنبال هژمون ساختن دیدگاه هایش بوده و از سوی دیگر می کوشد خاتمی را متاثر از دیدگاه های خود نماید، اصلاح طلبان ساختاری می باشند.

این طیف که شامل رادیکال های جریان اصلاحات می باشند؛

الف- به لحاظ تشکیلاتی با محوریت حزب اتحاد ملت و با همراهی احزابی همچون نهضت آزادی، مجمع ایثارگران انقلاب اسلامی، سازمان عدالت و آزادی به فعالیت مشغول هستند.

- چهره های اصلی و ایده بخش در این جریان که با محوریت مصطفی تاج زاده فعالند شامل افرادی همچون حجاریان و علوی تبار می باشند.

- این طیف می‌کوشند تا با اعلام رسمی پایان یافتن گفتمان و شیوه اصلاح طلبی دوم خرداد، بیانیه ۱۵ ماده‌ای خاتمی را اساس و بنیان بازاندیشی در گفتمان جدید اصلاحات قرار دهند.

- اصلاح طلبان ساختاری دوگانه اصلاحات «انتخابات محور- جامعه محور» را مطرح و بر ضرورت جامعه محوری اصلاح طلبان تأکید دارند.

- این طیف قائل به راهبرد «جامعه توانا- دولت توانا» می‌باشند.

- اصلاح طلبان رادیکال و ساختاری تلاش دارند تا بیانیه گام دوم انقلاب را تلاش نظام حکمرانی موجود برای انحراف از انقلاب تعریف کرده و از دیگر سو، به دگرسازی با این بیانیه بپردازند. بر اساس فحوی مطرح شده در اظهارات چهره‌های جریان اصلاحات، بیانیه ۱۵ ماده‌ای خاتمی به نوعی تلاش برای دگرسازی از بیانیه گام دوم انقلاب به عنوان دیگر خود می‌باشد.

- رادیکال‌های اصلاحات تلاش دارند تا ایجاد انگیزه و سامان بخشی نخبگان و بدنه اجتماعی خود را بر اساس تقابل با بیانیه گام دوم طراحی و پیگیری کنند.

- فحوی کلی مطالب مطلب مطرح شده از سوی اصلاح طلبان رادیکال بیانگر آن است که آنان در حال تعریف بیانیه گام دوم انقلاب به عنوان عامل اصلی مشکلات و شکل‌گیری ابربحران‌ها می‌باشند.

- اصلاح طلبان ساختاری با تزریق این امید به بدنه اجتماعی به سرانجام حاکمیت به تجدیدنظر در سیاست‌های خود خواهد پرداخت و تلاش می‌کنند طی یک

گفتگوی عمومی در جریان اصلاحات به راهکارهایی برای سرعت بخشیدن به وادار سازی نظام جهت تجدیدنظر پردازند.

- اصلاح طلبان ساختاری همچنان اولویت اصلی خود را نزاع با حاکمیت تعریف کرده و قائل به رقابت انتخاباتی به معنای مرسوم آن نیستند.

- این بخش از اصلاح طلبان در تلاش برای این همانی میان جمهوری اسلامی و رژیم پهلوی بوده و می کوشند تا نظام حکمرانی موجود و شخص ولایت فقیه را دیکتاتوری مصلح تعریف کرده و بر لزوم تعریف موازنه قدرت میان اصلاح طلبان و حاکمیت اصرار ورزند. اصلاح طلبان ساختاری در این زمینه نحوه مواجهه امام (ره) با رژیم پهلوی برای دست یافتن به موازنه قدرت با حاکمیت پیشنهاد می کنند.

- اصلاح طلبان می کوشند با تاکید بر وجود مشکلات ساختاری در قانون اساسی، مساله اساسی در قانون اساسی را مساله جدایی مدیریتی و قدرت دانسته و بطور ضمنی بر مشروط سازی قدرت رهبری تاکید و تصریح می کنند، قدرت به معنای وسیع کلمه در کرسی رهبری است. اصلاح طلبان ساختاری تاکید دارند باید به سمت مشروطه سازی قدرت رفته و یکی از این دو را دنبال کنند؛

الف- یا ریاست جمهوری و رهبری را در هم ادغام و ولی فقیه را مسئولیت پذیر کرد

ب- رهبری دوره زمانی مشخصی داشته باشد

- اصلاح طلبان مدعی رفتار دوگانه و غیرشفاف حاکمیت بوده و معتقدند حاکمیت در زمینه امر خصوصی پرده در می کند و در زمینه امر عمومی پرده پوشی

- اصلاح طلبان ساختاری با تاکید بر نگاه همزمان اصلاح طلبان به الیت (نخبه) و توده، موفقیت پروژه هایی همچون حجاب اختیاری را توجه به مطالبه چهل ساله در پس و پیش این موضوع دانسته و بر ضرورت بهره گیری از این مدل در برابر پروژه های مورد تاکید خود تصریح می کنند.

### اصلاح طلبان ساختاری و نگاه به انتخابات مجلس دوازدهم

تاملی بر مطالب مطرح شده از سوی اصلاح طلبان ساختاری بیانگر آن است که آنان در خصوص انتخابات مجلس شورای اسلامی در اسفندماه سال جاری در ابتدا بر ضرورت تقدم «اصلاحات بر انتخابات» تاکید داشته و تصریح می کنند انتخابات به مثابه طریقی برای رسیدن به تغییرات اساسی است که نسل حاضر و آینده می خواهد.

این بخش از رادیکال های اصلاحات همچنین ضمن تاکید بر مشارکت مشروط در انتخابات تاکید می کنند اصلاح طلبان باید در انتخاباتی حضور پیدا کنند که جنبش «زن، زندگی، آزادی» هم بتواند در آن شرکت کند. یعنی کسانی که در ذیل شعار «زن، زندگی، آزادی» قرار می گیرند بتوانند انتخابات را به رسمیت بشناسند. در آینده سیاسی کشور باید شرایطی تمهید شود و فضایی به وجود بیاید که جنبش «زن، زندگی، آزادی» بتواند در سرنوشت سیاسی خود نقش ایفا کند.

اصلاح طلبان ساختاری همچنین تاکید می کنند که جریان اصلاحات باید شرط های خود را به صراحت در فضای عمومی مطرح کند که ما در انتخابات شرکت می کنیم؛ به شرط اینکه مردم از پیش انتخابات را تحریم نکرده باشند. در انتخاباتی که احساس شود مردم از پیش آن را تحریم کرده اند ما هم نمی توانیم

شرکت کنیم. باید بگوییم ما به شرطی در انتخابات شرکت می‌کنیم که فرمایشی و نمایشی نباشد. به شرطی در انتخابات شرکت می‌کنیم که نهادهای حاکمیتی، رقیب احزاب سیاسی قرار نگیرند. به شرطی در انتخابات شرکت می‌کنیم که شرایط حضور اکثریت مردم در آن فراهم باشد. به شرطی در انتخابات شرکت می‌کنیم که انتخابات به مثابه فراندوم در تغییر سرنوشت سیاسی و حاکمیتی کشور مؤثر باشد.

همچنین این طیف طی ماه‌های اخیر کوشید تا محورهای زیر را به عنوان شروط اصلی خود در فضای رسانه‌ای طرح و بیان سازد.

- کوتاه کردن دست نهادهای غیرمسئول از دخالت در سیاست خارجی

- اصلاح سازوکار تشکیل مجلس خبرگان

- لزوم پایان دادن به انحصار عضویت روحانیون در مجلس خبرگان و حضور تمامی متخصصین با سلیق مختلف در این مجلس

- لزوم استقلال قوه قضاییه، آزادی رسانه‌های مستقل، فعالیت آزادانه و مسئولانه احزاب و...

بررسی‌ها اما نشان می‌دهد اصلاح طلبان ساختاری طی ماه‌های گذشته تلاش کردند تا به هژمون ساختن دیدگاه‌های خود پرداخته و به تعبیری معنادهی به فضای انتخاباتی را دنبال کنند.

در این رابطه مهندسی حزب اتحاد ملت موجب ریاست آذر منصوری از حامیان دیدگاه مشارکت مشروط در انتخابات بر جبهه اصلاحات شد و بهزاد نبوی به عنوان نماد مشارکت در انتخابات از مدیریت این جبهه خلع شد.

همین تغییرات در جبهه اصلاحات موجب شد که اصلاح طلبان ساختاری در قالب جبهه اصلاحات اقدام به هژمون کردن دیدگاه های خود در خصوص مشارکت مشروط در انتخابات کنند که با انتقاداتی در جبهه اصلاحات نیز روبرو شد.

از سوی دیگر اما اصلاح طلبان «نهادی یا سیاسی» نیز با انتقاد از راهبرد مشارکت مشروط برای حضور در انتخابات چند مساله را مطرح می سازند که همین مسائل باعث شده است که اصلاح طلبان ساختاری ضمن عبور از کلیدواژه «تحریم» صرفاً سکوت در برابر انتخابات را مطرح سازند.

از دیگر سو اما پس از تصویب قانون جدید انتخابات و آغاز پیش ثبت نام ها، اصلاح طلبان ساختاری که حساب ویژه ای را برای معنادارسازی انتخابات و تولید فشار به نظام و شورای نگهبان تا هنگام ثبت نام و اعلام نظر در خصوص صلاحیت ها تدارک دیده بودند، با اختلال تحلیلی مواجه شوند.

**این مسائل اما زمانی اصلاح طلبان ساختاری را با اختلال مواجه کرد که آنان در برابر ۴ موضوع در برابر اصلاح طلبان نهادی و یا سیاسی با بحران پاسخ مواجه شدند. این ۴ موضوع عبارت است از؛**

۱- در صورت عدم مشارکت اصلاح طلبان در انتخابات، اصلاح طلبان ممکن است با عدم اعتماد حاکمیت برای حضور آنان در انتخابات ریاست جمهوری ۱۴۰۴ مواجه شوند.



۲- در صورت عدم مشارکت در انتخابات ، زمینه لازم برای ایجاد ترک در دیواره حاکمیت یکدست را از دست داده و تریبون لازم برای سازمان دهی، تولید پیام انتخاباتی و جلب و جذب حامیان را در انتخابات ریاست جمهوری از دست بدهند.

۳- این جریان با توجه به تصمیم برای مشارکت برای انتخابات خبرگان رهبری و عدم مشارکت در انتخابات مجلس که همزمان برگزار می شود دچار تناقض رفتاری- انتخاباتی در برابر افکار عمومی خواهند شد.

۴- این جریان گرچه در شهرهای بزرگ ممکن است با سد شورای نگهبان برای ورود افراد مساله دار مواجه شوند اما ۱۹۰ کرسی مجلس در شهرهای کوچک وجود دارد که امکان حضور و مشارکت را خواهند داشت که در صورت مدیریت درست می توانند کرسی های اقلیت تاثیر گذار را به خود اختصاص دهند.

### **اصلاح طلبان ساختاری و آنچه فراتر از مواضع علنی مطرح می کنند**

با توجه به مطالب گفته شده ، اما در شرایط کنونی اصلاح طلبان ساختاری گرچه به لحاظ رسمی از مشارکت مشروط در انتخابات سخن به میان می آورند اما در جلسات خود تاکید دارد که باید محورهای زیر برای بررسی حضور در انتخابات مورد بررسی قرار گیرد؛

الف - بررسی وجود چهره های توانمند برای نمایندگی مطالبات اصلاح طلبان

ب - انتظار برای تایید صلاحیت کاندیداهای مزبور

ج - تلاش برای قانع شدن مردم برای حضور در انتخابات

این طیف از اصلاح طلبان در ادامه با برجسته سازی کلیدواژه تلاش برای «نجات کشور» می کوشند خود را در قالب منجی ای تعریف و تفسیر کنند که به صخره ستبر بن بست برخورد کرده و تصریح می کنند که برای تغییر موازنه قوا راهی جز توجه به افکار عمومی وجود ندارد.

در مجموع به نظر می رسد که اصلاح طلبان ساختاری از سویی نمایش قهر انتخاباتی را نشان می دهند و از سوی دیگر، در شهرهای کوچک شرکت در انتخابات را دنبال کنند.

## حزب کارگزاران سازندگی و انتخابات آینده

یکی از احزاب مهم در جریان اصلاحات که به بال راست این جریان معروف است، حزب کارگزاران سازندگی است.

حزبی منشعب شده از جناح راست سنتی که توسط ۱۶ نفر از اعضای هیئت دولت مرحوم اکبر هاشمی رفسنجانی، در آذر ۱۳۷۴ شمسی آغاز به کار کرد. سنگ بنای حزب کارگزاران درست در مقطعی گذاشته شد که یک سال و نیم از عمر دولت دوم مرحوم رفسنجانی باقی مانده بود. کارگزاران نخستین حزب سیاسی در ایران بود که در درون دولت شکل گرفت.

این حزب که با برآمدن جبهه دوم خرداد خود را در مجموعه جریان اصلاحات تعریف و تفسیر کرده بود گرچه لیدری سیدمحمد خاتمی را پذیرفته اما همواره در تحلیل های خود کوشیده تا تبار جریان اصلاحات را هاشمی رفسنجانی تعریف کرده و از این حیث تلاش می کند نقشی بالادستی برای خود در جریان اصلاحات تعریف و تفسیر کند.

کارگزاران سازندگی که خودشان را تکنوکرات و فن سالار می خوانند، قائل به آن هستند که مسلمان لیبرال دموکرات هستند و بر احیای ایران گرایی نه معنای شوونیستی آن تاکید و تصریح دارند.

## زاویه های راهبردی و گفتمانی کارگزاران با اتحاد ملتی ها

این حزب اما در مجموعه جریان اصلاحات و در شرایط فعلی دارای زاویه هایی هم به لحاظ گفتمانی و هم به لحاظ راهبردی با قطب دیگر جریان اصلاحات یعنی حزب اتحاد ملت دارد.

کارگزارانی ها بر خلاف اتحاد ملتی ها همچنان به بهبود شرایط در داخل ساختار اعتقاد داشته و وجود مشکلات را نه از ساختار ، بلکه از عاملان و حاملان ساختار (مدیران) و در نهایت وجود برخی راهبردها و سیاست های حاکمیت می دانند.

اتحاد ملتی ها که خود را سوسیال دموکرات می خوانند و از قرابت خاصی با سیدمحمد خاتمی برخوردارند همواره می کوشند تا خاتمی و کلیت راهبردهای جریان اصلاحات را با توصیه ها و سناریوهای خود همراه سازند لذا این مساله موجب هژمون شدن دیدگاه های اتحاد ملتی ها در جبهه اصلاحات شده که با ناخرسندی کارگزارانی ها مواجه شده است بطوری که در انتخابات ۹۸ و ۱۴۰۰ که کارگزاران بر تشکیل جبهه جمهور تاکید و حضور در انتخابات را توصیه کردند، این اتحاد ملتی ها بودند که این دیدگاه را بایکوت و تلاش کردند جبهه اصلاحات را به عدم ارائه لیست با برند اصلاح طلبی و عدم حمایت از کاندیدایی خاص در انتخابات ۱۴۰۰ ترغیب کنند.

شدت اختلافات حزب اتحاد ملت با حزب کارگزاران سازندگی در دوره دبیرکلی غلامحسین کرباسچی آنچنان عیان شد که طیف چپ جریان اصلاحات «حزب کارگزاران سازندگی» را با الفاظ نامناسبی همچون ؛ «اصلاح طلبان رام شده»،

«اصلاح طلبان حاکمیتی»، «اصلاح طلبان قدرت محور»، «اصلاح طلبان اهلی»، «وسط باز» و... تعریف کرده و می کنند.

تاکید اتحاد ملتی ها با سرمدمداری سعید حجاریان مبنی بر فیلتراسیون در جبهه اصلاحات را باید اوج اختلافات میان این دو حزب مهم جریان اصلاحات دانست که نهایتاً با تغییرات در حزب کارگزاران و برآمدن حسین مرعشی که دیدگاه هایی ملایم تر از کرباسچی در برابر بخش چپ جریان اصلاحات داشت، روبرو شد.

اما در آستانه انتخابات مجلس شورای اسلامی و به تبع آن انتخابات ریاست جمهوری ۱۴۰۴ دو طیف کارگزاران سازندگی و حزب اتحاد ملت این بار اختلافاتشان درباره مدیریت سامانه انتخاباتی اصلاح طلبان (جبهه اصلاحات ایران) و نیز تعیین راهبرد برای مشارکت / عدم مشارکت در انتخابات، سرباز کرده است.

کارگزارانی ها که موافق ادامه ریاست بهزاد نبوی بر جبهه اصلاحات ایران بودند، تلاش حزب اتحاد ملت برای ریاست آذر منصوری بر جبهه اصلاحات ایران را به یک کودتا تعبیر کرده و از چپ روی جریان اصلاحات و شدت گرفتن جنبشی شدن جریان اصلاحات بر اساس جنبش مهسا ابراز نگرانی کرده و عملاً به اپوزیسیون آذر منصوری و حزب اتحاد ملت تبدیل شده اند.

شدت اعتراض و انتقاد کارگزارانی ها به آنچه که کودتای اتحاد ملت در جبهه اصلاحات خوانده می شود به حدی است که سیدمحمد خاتمی را نیز هدف گرفته و از کانالیزه شده وی از سوئی و رفتارهای غیردموکراتیک وی برای انتصاب آذر منصوری از جانب دیگر را شامل می شود.

کارگزارانی‌ها همچنین در بیان یکی دیگر از اختلافات خود با حزب اتحاد ملت تاکید دارند که این حزب به دنبال پیگیری ایده فراکسیون‌سازیم در جبهه اصلاحات می‌باشد که عملاً به معنای فیلتراسیون در جبهه اصلاحات و هم‌زمن‌سازی بلامنازع دیدگاه‌های چپ‌های جریان اصلاحات می‌باشد.

کارگزارانی‌ها معتقدند فراکسیون‌سازیم مدنظر اتحاد ملتی‌ها تلاشی برای مهندسی در جبهه اصلاحات و در راستای تکثیر حزب اتحاد ملت در قالب احزاب اقماری، انجمن‌ها و اصناف و تشکل‌های زنانه و جوانان می‌باشد که به موجب آن حزب اتحاد ملت اقدام به یارگیری تشکیلاتی کرده و عملاً به کثرت‌نمایی در جبهه اصلاحات می‌پردازند.

کارگزارانی‌ها معتقدند حزب اتحاد ملت با مهندسی جبهه اصلاحات به دنبال کودتای تشکیلاتی در این جبهه و در نهایت دیکته‌منویات این حزب و فیلتراسیون در میان اصلاح‌طلبان می‌باشد که غایت آن رفتن به سوی اصلاحات ساختاری و مجلس‌موسسان و نهایتاً مبارزه با نظام می‌باشد.

### این همه ماجرا نیست

بررسی‌های دقیق‌تر در خصوص کنش‌ها و مواضع حزب کارگزاران‌سازندگی بیانگر آن است که آنان در راستای بازسازی تشکیلاتی و راهبردی خود محورهایی را مورد اجماع قرار داده و در شرایط حاضر در حال عمومی‌سازی آن‌ها می‌باشند.

کارگزارانی‌ها در وهله اول مدعی انحراف جمهوری اسلامی از ماهیت خود به دلیل حاکم شدن اسلام‌گرایی افراطی شده و با بیان اینکه منظور آنان از اسلام‌گرایی افراطی بنیادگراها و به طور مشخص تفکرات مرحوم آیت‌الله مصباح‌یزدی با

نمادهای جبهه پایداری می باشد، می کوشند تا این جریان را دشمن مشترک اصولگرایان و اصلاح طلبان تعریف کرده و تاکید کنند در سالهای اخیر با حذف تدریجی محافظه کاران و اصلاح طلبان به تدریج جریان بنیادگرایی درون ایران در قالب‌هایی مانند جبهه پایداری پدیدار شده‌اند که مصداق اسلام‌گرایی افراطی‌اند و تحت نفوذ مرحوم محمدتقی مصباح‌یزدی و جریان‌هایی مانند آکادمی علوم اسلامی به رهبری سیدمهدی میرباقری در حال فتح حکومت هستند.

کارگزارانی‌ها اما در محور دیگری با تاکید بر اظهارات اخیر سیدحسین مرعشی مبنی بر کانونی کردن ملی‌گرایی در برابر اسلام‌گرایی افراطی آن را حلقه آخر خودآگاهی تشکیلاتی حزب کارگزاران تعریف کرده و معتقدند که این اظهارات لیبرالیزه شدن سیاست از منظر علوم اجتماعی بوده و در حوزه‌های دیگر نیز این لیبرالیزه شدن با نمادهای زیر صورت گرفته است؛ ۱- در بعد اقتصادی محسن نوربخش، ۲- در بعد اجتماعی غلامحسین کرباسچی، ۳- در بعد فرهنگی سیدعطاءالله مهاجرانی و ۴- در بعد جنسیتی فائزه هاشمی.

به باور این حزب اصلاح طلب، تاکید کارگزاران بر ملی‌گرایی اما نه به معنای ایدئولوژی بلکه به معنای قرار گرفتن مفهوم ایران در کانون مصالح و منافع و ارزش‌های حاکمیتی است و اشاره آنها به نیاز ایران امروز به ملی‌گرایی با مختصات زیر می باشد؛

الف- دولت فراگیر فراتر از جناح‌های سیاسی که از لحاظ حزبی بر افق اصولگرایی - اصلاح‌طلبی قرار بگیرد

ب- از لحاظ جنسیتی در برگیرنده توأمان و عادلانه زن - مرد باشد

ج- از لحاظ نسلی در برگیرنده ترکیب جوان - پیر باشد

د- ایران در کانون آن باشد

### کارگزاران سازندگی و احیای ایده ملی گرایی

کارگزارانی ها همچنین ضمن اشاره به بیرون آمدن از دایره تنگ دوگانه اصولگرا- اصلاح طلب بر لزوم شکل دهی به فضا و دوگانه « میهن دوستی - بی وطنی» تاکید کرده و معتقدند این دوگانه، دایره گسترده‌ای از انحلال طلبان تا بنیادگرایان را در بر می‌گیرد.

این حزب اصلاح طلب در ادامه با رونمایی از راهبرد «احیای ملی گرایی»، روند رسیدن به «راهبرد ملی»، «مجلس ملی»، «دولت ملی» و «استقرار حکومت قانون در دستگاه قضایی» را مورد اشاره قرار داده و با تاکید بر محوریت دادن به ملی گرایی در وهله اول بر لزوم تشکیل «مجلس شورای ملی» تاکید و تصریح می‌کنند ما نیازمند یک مجلس شورای «ملی» هستیم. مجلس شورای اسلامی در ایران در واقع همان شورای نگهبان است که از حقوق شرع دفاع می‌کند و اعضای آن مجتهد و حقوقدان هستند و باید با ادغام در مجمع تشخیص مصلحت نظام و افزودن رجال سیاسی ملی مانند روسای جمهور سابق، روسای مجلس سابق، فرماندهان نظامی و ... به مجلس سنای اسلامی یا همان مجلس شورای اسلامی بدل و با رای مردم مستقر شود. اما مجلس شورای اسلامی موجود به علت آنکه از مجتهدان عاری است و فاقد رجال و زنان ملی است؛ بهتر است اصلاحات اساسی به عنوان تاریخی مجلس شورای ملی بازگردد.

بنا بر تاکید کارگزارانی ها، وجود یک مجلس ملی می‌تواند سبب شود که ملت ایران نمایندگان خود را در حاکمیت ببینند و به جای خیابان از طریق صحن پارلمان به



بهبود شرایط کسب و کار، سبک زندگی و حقوق و آزادی‌های سیاسی و کرامت زن و مرد پردازد. بدیهی است که نهاد مجلس ولو ملی نمی‌تواند همه عناصر حاکمیت ملی را محقق کند و برای این کار در گام‌های بعدی باید دولت ملی شود و حکومت قانون به خصوص در قوه قضاییه مستقر گردد. اما همه این‌ها نیازمند راهبرد ملی است که در گفتار کارگزاران سازندگی به احیای ملی‌گرایی تعبیر شده است.

### راهبرد انتخاباتی کارگزاران سازندگی

کارگرانی‌ها اما با انتقاد از عدم جمع‌بندی راهبرد انتخاباتی جبهه اصلاحات ایران در سندی درون‌تشکیلاتی راهبرد انتخاباتی خود را در سه فصل تنظیم کرده است.

این حزب اصلاح طلب در بررسی‌های خود شرایط انتخابات را شامل ۳ انتخاب متفاوت شامل؛

الف- مشارکت بی‌قید و شرط

ب- تحریم بی‌قید و شرط

ج- مشارکت مشروط

کارگزاران سازندگی معتقد است تا مهرماه ۱۴۰۲ نه ملت و نه حاکمیت هنوز مهیای مشارکت و رقابت بالا در انتخابات پیش‌رو نبودند و با وجود تاکیدات رهبری در سخنرانی‌های بهار ۱۴۰۲ اعلام شیوه جدید پیش‌ثبت‌نام دامنه رقابت و در نتیجه مشارکت در انتخابات را محدود کرده است؛ مگر آنکه اتفاق تازه‌ای رخ دهد.

کارگرانی همچنین با تصویب عدم حضور انفرادی این حزب در انتخابات تاکید کرده‌اند که اشکال حضور ائتلافی حزب نیز منطقاً در چهار صورت ممکن است؛

- ۱- در قالب جبهه اصلاحات که سازوکار طبیعی فعالیت کارگزاران است.
  - ۲- در قالب جبهه جدیدی از اصلاح‌طلبان مانند جبهه جمهور که در انتخابات سال ۱۴۰۰ از همکاری برخی احزاب اصلاح‌طلب شکل گرفت.
  - ۳- در صورت جبهه اعتدال با معتدلین اصولگرا و اصلاح‌طلب
  - ۴- در صورت اپوزیسیون یا جنبش اجتماعی
- این حزب اصلاح‌طلب همچنین با تأکید بر اینکه رای کمیته سیاسی این حزب در نهایت همراهی با جبهه اصلاحات است، تصریح می‌کند مشکل اینجاست که جبهه اصلاحات، به‌خصوص با صورت‌بندی جدید خود فاقد راهبرد مشخصی است تا جایی که در اطلاعیه پیش از ثبت‌نام اولیه گفته؛ توصیه‌ای به اصلاح‌طلبان ندارد.
- کارگزارانی‌ها همچنین با بیان اینکه این حزب از دو «خاستگاه» می‌تواند وارد انتخابات شود، تأکید می‌کند، اول خاستگاه حزبی تکنوکرات که دغدغه‌اش توسعه ایران است با حزب دموکرات که دغدغه‌اش جمهوری ایران است. اگر کارگزاران بخواهد از موضع حزبی تکنوکرات و توسعه‌گرا وارد انتخابات شود باید به برنامه‌هایی مانند احیای برجام و تسهیل سرمایه‌گذاری خارجی در مجلس آینده توجه کند و اگر از موضع حزبی دموکرات و جمهوری خواه وارد انتخابات شود مسائلی مانند اصلاح قانون انتخابات، قانون احزاب و لایحه اخیر حجاب باید در دستور کار قرار گیرد.
- کمیته سیاسی حزب کارگزاران همچنین تصویب کرده است به تدریج با ۱۰ چهره سیاسی مرجع در میان اصلاح‌طلبان و اعتدال‌گرایان دیدار و گفت‌وگو می‌کند: ۱. سیدمحمد خاتمی ۲. سیدحسن خمینی ۳. حسن روحانی ۴. علی‌اکبر ناطق‌نوری

۵. محمدجواد ظریف ۶. اسحاق جهانگیری ۷. بهزاد نبوی ۸. عبدالله نوری ۹. علی لاریجانی و ۱۰. در صورت امکان مهدی کروبی.

کمیته سیاسی حزب کارگزاران همچنین تاکید کرده است که به جز سران اصلاحات، جلسات همفکری و رایزنی با سران حداقل پنج حزب دیگر ۱. اتحاد ملت ۲. اعتماد ملی ۳. توسعه ملی ۴. حزب کار و نیز ۵. حزب اعتدال و توسعه برگزار کند و با نهادهای دولتی و حاکمیتی هم جلسات گفت‌وگو برقرار کند.

این حزب اصلاح طلب اما در بیان مهمترین ماموریت کمیته سیاسی کارگزاران این ماموریت را گفت‌وگو با ملت ایران دانسته است؛ یعنی از نگاه آنها کسانی که به اصولگرایان رای نمی‌دهند، از اصلاح‌طلبان خسته شده‌اند و به انحلال‌طلبان هم اعتمادی ندارند.

به باور کارگزارانی‌ها، شاید چاره کار سامان‌دهی یک نیروی سیاسی جدید است که بتواند نیروهای اجتماعی، به خصوص جوانان و زنان را حول چهره‌های جدید، به خصوص کارآفرینان و نخبگان مدنی گرد آورد و مانند لحظه‌ی تولد کارگزاران در زندگی ایران در انتخابات مجلس پنجم (۱۳۷۵) هوای تازه‌ای را در سیاست ایران بدمند.

### در کنگره حزب کارگزاران سازندگی چه گذشت؟

از سوی دیگر اما بررسی مطالب مطرح شده در پنجمین کنگره حزب کارگزاران سازندگی ایران شناخت دقیق تری از برنامه‌های حزب کارگزاران سازندگی برای انتخابات مجلس شورای اسلامی و به تبع آن انتخابات ریاست جمهوری ۱۴۰۴ بدست می‌دهد.

این حزب ضمن تاکید بر حضور در انتخابات به عنوان یک اصل از سوی این حزب ذیل دال مرکزی «ایران» شعار «تحقق توسعه، احیای جمهوریت، پیگیری مطالبات زنان» را مورد تاکید خود قرار داده است.

**محورهای مورد تاکید کارگزارانی ها در کنگره اخیر خود اما شامل گزاره های زیر می شود:**

- انتقاد از تعلیق سیاسی در جریان اصلاحات
- نگرانی از جایگزینی خیابان به جای احزاب سیاسی در دیدگاه برخی اصلاح طلبان
- اذعان به انفعال در جبهه اصلاحات
- انتقاد از وجود تفاوت ها و نگرش ها و راهبردهای موازی در میان سران اصلاحات از مانیفست ۱۵ ماده ای خاتمی تا طرح مجلس موسسان میرحسین موسوی
- انتقاد از فقدان چهره ای معتدل و میانجی میان «حاکمیت و اصلاحات»
- ابراز تاسف بابت عدم جابجایی نسلی در جریان اصلاحات و بالا رفتن معدل سن و سال مدیران در نهادهای اصلاح طلب
- هشدار نسبت به شکل گیری دو قطبی «حذف-بی رونقی» در انتخابات
- تاکید بر «میهن دوستی مدنی»
- تصریح بر تاسیس دولتی سیاست گذار به جای دولت مداخله گر
- تاکید بر احیای جمهوریت و لزوم نجات صندوق رای از دوگانه «انحصار و انفعال» و...

## آخرین وضعیت اردوگاه درهم شکسته ضدانقلاب فرجام محتوم مزدوری برای غرب

نخستین دقایق میلادی ۲۰۲۳ برای ایرانیان با یک عملیات سایبری آغاز شد؛ پیام مشترک ۶ چهره خارج‌نشین که به بهانه سال جدید میلادی منتشر شد حامل پیامی مستقیم برای معرفی رهبران و سம்பل‌های آشوب‌های پاییزی در سال ۱۴۰۱ بود.

ترکیب این رهبران اما بیش از همه عمق ابتدال عمل سیاسی را برای افرادی که رویای براندازی را در سر می‌پروراند عیان کرد. فرزند شاه مخلوع و فراری، علی کریمی فوتبالیست، حامد اسماعیلیون، مسیح علی‌نژاد و ۲ بازیگر زن (گلشیفته فراهانی و نازنین بنیادی) با رونمایی از این ائتلاف مجازی، خود را به عنوان رهبران براندازی معرفی کردند. این گروه مدتی بعد به «گروه همبستگی» معروف شد.

عملیات براندازی خارج‌نشینان در شرایطی با یک توثیت مشترک آغاز به کار کرد که تمام فراخوان‌های ضدانقلاب تا پیش از آن به صحنه شکست و رسوایی‌شان تبدیل شده بود، از این رو صحنه گردان اصلی اغتشاشات (سازمان سیا) سعی کرد با رونمایی از چنین نمایش مضحکی تقلایی برای موضوعیت بخشی به جریان آشوب پیدا کند. اما این ائتلاف سایبری خیلی زودتر از تصورات شکسته شده است و اتحاد مصنوعی ضدانقلاب خیلی زودتر از آنچه تصور می‌شد به پایان رسید.

## چاقوکشی خیابانی فرجام یک کودتای آمریکایی

آمریکایی‌ها بعد از روی کار آمدن دولت بایدن به این جمع‌بندی راهبردی رسیدند که در بسیاری از پرونده‌های خارجی با شکست روبرو شده‌اند و دلیل آن اقدامات ایران و مدیریت رهبرانقلاب بوده است. این شکست‌ها باعث شده جایگاه بین‌المللی آمریکا تحت‌الشعاع قرار گیرد. لذا ایران باید بهای آن را بپردازد.

بنابراین به سمت بازنویسی نسخه فشار حداکثری ترامپ از جنس دموکرات‌ها (جنگ ترکیبی) ذیل راهبرد مهار و محدودسازی جمهوری اسلامی حرکت نمودند، ترتیب دادن اغتشاشات محله محور و استفاده از تمام ظرفیت ضدانقلاب بخشی از این سناریو بود. اما گروهک‌های اغلب خارج نشین و دنباله‌های داخلی آن‌ها آنچنان با یکدیگر در تضاد بودند که حتی چسب اتحاد آمریکایی‌ها در دو نشست جورج تاون و دانشگاه استنفورد نیز نتوانست آن‌ها را به یکدیگر وصل کند!

سطح اختلافات به جایی رسید که سمپات‌های گروهک منافقین با هواداران جریان سلطنت طلب در خیابان‌های برخی کشورهای اروپایی به جان هم افتاده و برای هم چاقوکشی کردند، این اختلافات باعث شد تا گروه واتس‌اپی براندازی متشکل از لیدرهای آشوب پاشیده شده و عناصر آن یکی پس از دیگری آن را ترک کنند.

اختلاف میان ضدانقلاب در سطحی قرار گرفت که دولت‌های غربی که قرار بود از گروه براندازی به عنوان آلترناتیو جمهوری اسلامی استفاده کنند ناامید شده و پایان اغتشاشات را به صورت رسمی اعلام کنند. یرواند آبراهامیان از مدرسین جنگ نرم در یک گفتگوی قابل تامل با یورو نیوز مطالبی را مطرح کرده است که تحلیل جالبی از آشوب‌ها را ارائه می‌دهد و در بخشی از آن درباره ناامیدی کشورهای غربی از ضد

انقلاب گفته است: «من فکر می‌کنم حضور شاهزاده جوان یا هر چیز دیگری که می‌توان اسمش را گذاشت به عنوان رهبر، باعث تضعیف اعتراضات و تقویت [جمهوری اسلامی] خواهد شد. چراکه مردم خواهند پرسید اعتبار دموکراتیک و سکولار او از کجا آمده؟ من مطمئن نیستم که مردم به صرف بیان گفته‌هایی چون مدارا با مخالفان یا پافشاری بر فرآیند انتخابی و رای مردم، چنین چیزهایی را بپذیرند.»

اندیشکده آمریکایی بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها (FDD) که نقش مهمی در شکل‌دهی سیاست خارجی واشنگتن در قبال ایران دارد در ۲۳ می ۲۰۲۲ (۲ خرداد ۱۴۰۱)، یعنی نزدیک به چهار ماه قبل از اغتشاشات ۱۴۰۱ و در بحبوحه اغتشاشات پراکنده به افزایش قیمت‌ها در گزارشی با عنوان «**اعتراضات در ایران اوج گرفته، دولت بایدن می‌تواند کمک کند**» به دولت و مقامات آمریکا توصیه می‌کند این نوع اعتراض‌ها را جدی بگیرند و از آن‌ها حمایت نکنند. اما همین موسسه ضد ایرانی دو ماه قبل در گزارشی نوشت که تنها راه مهار ایران گفتگوی سخت با جمهوری اسلامی ایران است، منظور از گفتگوی سخت پروژه‌ای است که مسیر دسترسی ایران به منطقه را کم می‌کند.

### فرجام ضدانقلاب در شب اول ژانویه

با آغاز اغتشاشات در ایران ضدانقلاب با انتشار یک بیانیه تفصیلی با نام «**منشور مهسا**» سعی کرد سطح وحدت خود را افزایش دهد، این به اصطلاح منشور توسط رضا پهلوی، حامد اسماعیلیون (نماینده منافقین) مسیح علی‌نژاد؛ نازنین بنیادی، عبدالله مهتدی (رهبر گروهک تروریستی کومله) و علی کریمی امضا شده و توسط شیرین عبادی تنظیم و تدوین شده بود؛ اما بیان برخی موارد عجیب چون دادن حق

تجزیه ایران به برخی گروهک‌ها از جمله ضدانقلاب‌گردی باعث ایجاد انشقاق شدید میان تجزیه‌طلبان و ملی‌گرایان سکولار با لیدرهای سازمان سیا شد، منشور مهسا به‌شدت دارای ادبیات نزدیک به نفاق داشته و از این رو، با واکنش شدید از جانب برخی همکاران شبکه ضدانقلاب روبه‌رو شد.

از جمله شهرام همایون گرداننده یک شبکه تلویزیونی سلطنت‌طلب می‌گوید که امیدی به اپوزیسیون خارج از کشور نمی‌شود داشت، اینکه می‌گویند صدای شمارا ما به دنیا برسانیم، در دوره ناصرالدین‌شاه که زندگی نمی‌کنیم، در دوره دیجیتال زندگی می‌کنیم. تمام اتفاقاتی که در ایران می‌افتد پیش از ماها، کاخ سفید، سازمان‌های امنیتی و دولت‌های مختلف از آن خبردارند و اگر عکس‌العملی نشان نمی‌دهند به دلیل این است که منفعتی در آن نمی‌بینند. این موضوع را برای همیشه پرونده‌اش را ببندید که ما قرار است صدای مردم باشیم. خاک‌برسر کاخ سفیدی که بخواهد امروز در عصر دیجیتال صدای شمارا از زبان من بشنود!

برگزاری نشست با شتاب‌دهندگان مالی آشوب در دانشگاه استنفورد با عنوان «**پروژه گذار**» تلاش دیگری از جانب غربی‌ها برای القای کسب اعتبار بیشتر اجتماعی برای ضدانقلاب بود که بازهم به نتیجه دلخواه نرسید! در این نشست بنیاد آمریکایی «هور» به‌صورت علنی اعلام می‌کند که به‌عنوان شبکه مادر در آشوب‌های پاییزی حضور داشته است. بر اساس پروژه گذار قرار بود تمامی رده‌های مختلف از نیروهای مؤثر روشنفکری، سلبریتی‌های هنری، چهره‌های ورزشی (هولیکانیسم) و عناصر سیاسی با یکدیگر ائتلاف کنند.

نکته جالب‌توجه آن‌که رضا پهلوی از حضور در نشست گذار انصراف داده تا پازل هماهنگی میان ضدانقلاب در کمتر از چند ساعت از درون دچار فروپاشی شود؛



کیوان عباسی مدیر کانال تلویزیونی «من و تو» اعلام می‌کند که ضدانقلاب یک سیرک سیاسی راه انداخته و این سیرک زودتر از آنچه انتظار می‌رفت به بن‌بست رسید و چیزی به تعطیلش نمانده و خواهد شد!

یاسمین پهلوی همسر رضا ربیع پهلوی نیز پس از برگزاری نشست گذار در استنفورد حامد اسماعیلیون را متهم به همکاری با گروهک تروریستی منافقین کرده و می‌گوید: برای من روشن نیست چرا آقای اسماعیلیون وقت این جلسه را صرف دادخواهی برای خانواده‌های مجاهدین می‌کند. من فکر می‌کنم آقای اسماعیلیون باید روی موضوع خانواده‌های قربانیان انقلاب مهسا امینی تمرکز کند.

### شکست پروژه سازمان سیا در یک شب!

اندکی پس از این افشاگری‌های عجیب، پنج گروه ضدانقلاب رسماً از منشور مهسا انشعب کرده و اعلام می‌کنند که دیگر حاضر به همکاری با ائتلاف براندازی سازمان سیا نبوده و درخواست حمایت مستقل از سوی آمریکایی‌ها می‌کنند. ائتلاف جمهوری خواهان ایران، جبهه ملی ایران-اروپا، حزب چپ ایران (گروهک تروریستی فدائیان خلق)، سازمان‌های جبهه ملی ایران در خارج از کشور و جمهوری خواهان ایران پنج گروه سیاسی بودند که با عبور از منشور براندازی مهسا طرح جدیدی با عنوان «همگامی» را مطرح کرده‌اند، بهروز خلیق عضو سابق گروهک تروریستی فدائیان خلق در این نشست اعلام کرده است نویسندگان منشور براندازی تک‌روی کرده و سایر عناصر ضدانقلاب در خارج را حذف و بایکوت کرده‌اند.

هم‌زمان با افزایش درگیری‌ها در اردوگاه ضدانقلاب، به ناگهان امیرعباس فخر‌آور نیز در یک لایو اینستاگرامی مصی‌علینژاد را متهم به دزدی کرده و اعلام می‌کند که این

فرد دزد است و حتی برای زندانی که نرفته درخواست ۵۰۰ میلیون دلار کرده تا از پول‌های بلوکه‌شده مردم ایران به او بدهند.

**افشاگری‌های ضدانقلاب علیه یکدیگر باعث می‌شود، لشگر رباتی و فحاش که در طی ۱۰۰ روز اغتشاشات پاییزی جهت عملیات روانی فعال شده بود، این بار شروع به عملیات داخلی برای تسویه درونی کند.**

درحالی که تیم سایبری نزدیک به منافقین با پروموت کرده مسیح علینژاد و حامد اسماعیلیون علیه سلطنت‌طلبان فعال شده و عملیات تخریبی علیه رضا ربیع پهلوی را آغاز می‌کنند، از آن سو سلطنت‌طلبان نیز برای گرفتن انتقام سایبری از طیف نزدیک به منافقین دست به کار شده و این مسئله باعث می‌شود تا نازنین بنیادی باز یگر هالیوودی و پرستوی جنسی «تام کروز» صفحه خود در توئیتر را تعلیق کرده و از اتوبوس ضدانقلاب پیاده شود. نازنین بنیادی به داشتن نظریات تند ایرانی معروف بود؛ از جمله آنکه اعلام کرده بود که برای پیروزی اغتشاشات باید ایران را با تحریم شدید، شیمی درمانی کرد!

در نهایت، این درگیری‌ها باعث شد تا حامد اسماعیلیون از چهره‌های ضدانقلاب در خارج از کشور با انتشار یک بیانیه‌ای اعلام کند که از اتوبوس براندازی پیاده شده است، مهره منافقین در این اطلاعیه اعلام کرده است که به دلیل رفتار «گروه فشار» از شورای همبستگی استعفا داده است. البته مدتی بعد معلوم شد که سفر پهلوی به مناطق اشغالی و دیدار با نتانیاهو باعث اختلاف میان ضد انقلاب شده و برخی رضا پهلوی را متهم به تک روی و رفتن به سفر به اسرائیل بدون هماهنگی با سایر اعضا کردند.

## ماموریت ویژه ائتاق ایران چگونه شکست خورد؟

آمریکایی‌ها برای راه انداختن چنگ ترکیبی سه گام در نظر گرفته بودند و برای هر کدام از شاخه‌های ضد انقلاب ماموریتی ویژه تهیه کرده بودند این ماموریت در ائتاق ویژه ایران در لندن طراحی شده و به شاخه‌های مختلف گروهکی ابلاغ می‌شد و در این پروژه شورای همبستگی نقش لیدری داشت.

**پلن (نقشه) یک:** ایجاد فضای اعتراضی نسبت به فوت مهسا امینی، دامن زدن به اعتراض جماعت ناراضی و تولید فضای احساسی و تردید برای همراه‌سازی اقشار خاکستری و همسو (با استفاده از به کار گیری ظرفیت رسانه‌های ضد ایرانی فارسی زبان در خارج از کشور، شبکه سلبریتی‌ها و شهروند رسانه‌ها)

**پلن (نقشه) دو:** کشاندن فضای اعتراض به اغتشاش با تلاش برای اعتصاب روزانه و اغتشاش شبانه و فعال شدن جریان‌ها و گروه‌های غیرهمسو. (فراخوان‌های صادر شده توسط گروه همبستگی و سران فتنه سال ۸۸)

**پلن (نقشه) سوم:** تبدیل فضای اغتشاش به حرکت مسلحانه با فعال شدن گروه‌ها و تیم‌های مسلح در محیط اغتشاش‌ها با تعرض به اماکن و نیروهای نظامی و انتظامی و کشته‌سازی. (استفاده از ابزارهای گروهک‌های تروریستی چون منافقین و احزاب کردی)

بر اساس پروژه گذار قرار بود تمامی رده‌های مختلف از نیروهای مؤثر روشنفکری، سلبریتی‌های هنری، چهره‌های ورزشی (هولینگانیسم) و عناصر سیاسی با یکدیگر ائتلاف کنند. و این سه پلن مجزا از یکدیگر با یکدیگر متصل شده و یک انقلاب نیمه سخت را به مردم ایران تحمیل کنند.

ریچارد نفیو (کارشناس وزات خارجه آمریکا و معمار تحریم‌ها در دولت اوپاما) در جلسه کنگره در پاسخ به پرسشی درباره بحث تغییر رژیم در ایران می‌گوید: «سیاست تغییر به صورت خبری وجود ندارد تا چه رسد به مرحله اجرایی. چالش اصلی جمهوری اسلامی ایران کارآمدی است نه مشروعیت. تغییر رژیم آرزویی است که نه آمریکا توانمندی آن را دارد و نه زمینه پیاپی آن در ایران به هر شکلی (نظامی، کودتا، انقلاب رنگی) وجود دارد. دموکرات‌ها معتقدند علاوه بر افزایش فشار اقتصادی، در کنار آن نقش گروه‌های داخلی و تقویت و هدایت آنها ذیل توسعه حقوق مدنی و پروژه نفوذ و ارتباط‌گیری با جامعه نخبگانی و دانشگاهی ضروری است.»

در چنین شرایطی آمریکایی‌ها به سمت طراحی و پیاده‌سازی نقشه خود حرکت کردند که در آن، مشغول کردن هم‌زمان ایران به طیفی از بحران‌های داخلی، تأمین مالی گروه‌های خارجی، تحریک اقوام، القاء ناکارآمدی نظام، تداوم فشارها و تحریم‌ها، قریب‌الوقوع نشان دادن حمله نظامی و انزوای گسترده‌تر سیاسی بود. در واقع چارچوب نقشه آن‌ها ساخت یک ایران ضعیف بود که دچار فروپاشی شده و ضدانقلاب به عنوان آلترناتیو در آن مطرح می‌شود.

البته عدم شناخت دقیق دشمن از وضعیت کشور باعث شکست پروژه گذار شد، این شکست امنیتی در سطحی بود که در یک جلسه چهارجانبه میان مسئولان رده‌بالای سرویس‌های جاسوسی خارجی در یک کشور در حاشیه خلیج فارس یکی از اعضا اعلام کرده است که اطلاعات آمریکایی‌ها از سطح اغتشاشات در ایران غلط بوده و حالا هر حرکتی علیه ایران می‌توان تبدیل به یک خطر امنیتی علیه کشورهای همکار با آشوب‌ها شود!

در این جلسه یکی از مقامات امنیتی کشورهای اطراف ایران خطاب به مقام غربی می‌گوید مگر نمی‌گفتید با شروع اعتراضات جمعیت میلیونی به خیابان‌های تهران می‌آیند؟ پس چرا نیامدند و ما فقط وارد صحنه شدیم والان نگران هستیم که ایران اقدامات ما را تلافی کند.

وضعیت عوامل اصلی اغتشاشات پس از پایان آن جالب‌توجه است. سازمان سیا کور شده است، رژیم صهیونیستی پس از طوفان الاقصی با ابر بحرانی بزرگ روبرو شده است و برای آنکه شکست شبکه آشوب‌سازی را بهتر درک کنیم، باید اخبار منطقه را کنار یکدیگر قرارداده و به پیام جدید برجامی آمریکا با دقت نگاه کرد!

## امنیت و سلامت دو ویژگی برجسته انتخابات تراز انقلاب

حفظ امنیت و ثبات و آرامش انتخابات یکی از دغدغه‌های مهم رهبر معظم انقلاب در تمامی انتخابات ادوار گذشته بوده است که معظم له همواره با رهنمودهای خود نسبت به حفظ آن تاکید داشته‌اند. از منظر ایشان انتخابات همواره باید مظهر وحدت و انسجام ملی باشد و لازمه و نشانه آن وجود آرامش در انتخابات است. تشنج، درگیری و ناامن‌سازی فضای انتخاباتی، اقداماتی است که از تبدیل فرصت انتخاباتی به تهدیدی برای انسجام و امنیت ملی کشور حکایت دارد.

اقدامی که معمولاً با تحرکات و سناریوهای طرحریزی شده در بیرون از مرزها و حمایت‌یادبی داخلی دشمن و غفلت و سوء تدبیر جناح‌های سیاسی داخلی و گاه هواداران نامزدها بوجود می‌آید.

در سال ۱۳۸۸، رهبر معظم انقلاب اسلامی در پای صندوق رای در انتخابات ریاست جمهوری دهم، فرمودند: «امنیت انتخابات خیلی مهم است. ما سی سال است انتخابات داریم و بحمدالله همیشه در انتخابات‌ها، امنیت برقرار بوده است.» (۸۸/۳/۲۲) انتخاباتی که متأسفانه به واسطه نقش آفرینی فتنه‌گران به آشوب کشیده شد! البته رهبری تلاش کردند تا حوادث تلخ ایجاد شده در انتخابات سال ۱۳۸۸ را به فرصتی برای تنبه و عبرت‌گیری و درس‌آموزی بدل کرده و مسئولین و مردم را از سیاست دشمن برای ناامن‌سازی انتخابات در این کشور آگاه سازند. لذا در آستانه انتخابات ریاست جمهوری یازدهم فرمودند: «انتخابات برای کشور مایه‌ی آبروست، مایه‌ی افتخار است. همه مراقب باشند که انتخابات مایه‌ی بی‌آبرویی برای

کشور نشود؛ آن طوری که در سال ۸۸ يك عده‌اي سعی کردند انتخابات را مظهر اختلافات وانمود کنند، جنجال سياسي طبيعي انتخابات را تبدیل کنند به يك فتنه؛ که البته ملت ایران در مقابلش ایستاد و هر وقت هم شبیه آن اتفاق بیفتد، ملت در مقابل آن خواهد ایستاد.» (۹۱/۷/۲۴)

«بی‌ثبات‌سازی» انتخابات از جمله ترفندهای اساسی مورد نظر دشمن است که در آستانه انتخابات‌ها می‌تواند با ماجراجویی‌های سیاسی، اقتصادی، امنیتی و ... دنبال شود. لذا رهبر بصیر انقلاب اسلامی در این باره چنین هشدار می‌دهند: «یکی از راه‌ها هم این است که سعی کنند در ایام انتخابات، سر مردم را به يك چیز دیگری گرم کنند؛ يك حادثه‌اي پیش بیاورند، يك ماجرای درست کنند؛ يك ماجرای سياسي، يك ماجرای اقتصادي، يك ماجرای امنيتي.» (۹۱/۱۰/۱۹)

رهبري همواره از همه مسئولین کشور خواسته‌اند: «تا قبل از انتخابات و در خود انتخابات، باید همت همه‌ي مسئولین این باشد که آرامش سياسي کشور را حفظ کنند؛ نگذارند فضای سياسي کشور، جنجالي و متلاطم شود» (۹۱/۷/۲۴) ایشان چندماه مانده به انتخابات ریاست جمهوری یازدهم تاکید کردند: «از امروز تا روز انتخابات، هر کسی احساسات مردم را در جهت ایجاد اختلاف به کار بگیرد، قطعاً به کشور خیانت کرده.» (۹۱/۸/۱۰) رهبري در آستانه انتخابات مجلس ششم از وجود دست‌هایی برای ایجاد اختلاف و تشنج در انتخابات چنین سخن گفتند: «احتمالاً دست‌هایی در کار است که در آستانه‌ي انتخابات، محیط کشور را محیط متشنج کند؛ اگر نتواند تشنج عملي هم به‌وجود آورد، محیط تشنج فكري و ذهني و بحران‌سازي مصنوعی کند. این دست‌ها، دست‌های خدمی نیستند؛ دست‌های خودی‌ها نیستند؛

دست‌های بیگانه و دست‌های خائند. ملت ایران باید هشیار باشد و بحمدالله هست.»  
(۷۸/۱۰/۱۸)

رهبري از بازیگران عرصه انتخابات خواهان آن است که: «انتخابات باید در فضای آرام و با صفا انجام گیرد و دور از تشنج و درگیری و فضای نفرت باشد. بدیهی است که در همه جا نامزدهای گوناگونی با آراء و عقاید و سلايق مختلفی هستند و مردم هم نگاه می‌کنند و ان‌شاءالله با شناسایی و با تدبیر انتخاب می‌کنند و رأی خواهند داد. این کار باید در فضای آرام انجام گیرد.» (۷۸/۱۱/۲۶)

شرایط پیش روی انتخابات ۱۴۰۲ به نحوی است که از ملاحظات امنیتی بیشتری نسبت به ادوار انتخابات گذشته برخوردار خواهد بود. تلاش دشمن در پاییز ۱۴۰۱ بلوایی بود که به کمک جنگ شناختی و ابزار رسانه شعله‌ور شد و هر چند نظام توانست به کمک حماسه بصیرت و حضور ملت بر آن فائق آمده و فتنه را مهار نماید، اما دشمنان همچنان سناریوهای متعدد دیگری را در دستورکار دارند که تا آستانه انتخابات اسفندماه دنبال خواهند کرد.

### سلامت انتخابات

یکی دیگر از دغدغه‌های مهم رهبر معظم انقلاب اسلامی مساله سلامت انتخابات است. در نگاه ایشان «رای ملت امانتی است» که در اختیار مسئولین امر قرار دارد و ایشان موظفند که با تمام توان در حفظ و سلامت آن بکوشند. سلامت انتخابات هم به مرحله «پیش از انتخابات» و هم «حین انتخابات» و هم «پس از انتخابات» توجه دارد. به واقع تمام فرآیند انتخابات از زمان آغاز فعالیت سیاسی جناح‌ها تا اعلام و تأیید نتایج نهایی انتخابات باید موردتوجه قرار گیرد.



انتخابات معیارسنجی است که وقتی ارزشمند است که بازتاب دهنده واقعی خواست و رای ملت باشد. لذا این میزان و ترازو باید صحیح عمل کرده و آنچه هست را به خوبی آشکار سازد. در تحقق این امر متولیان برگزار کننده انتخابات نقش موثر و کلیدی را دارند که باید سلامت انتخابات را تضمین کنند.

تاکید بر تضمین سلامت انتخابات موضوعی نیست که رهبری هیچگاه از توجه به آن غفلت کرده باشند و همواره فرموده‌اند: «بنده هم اصرار دارم که انتخابات باید با سلامت کامل، با رعایت امانت کامل انجام بگیرد. مسئولین دولتی و مسئولین غیر دولتی که در کار انتخابات دست‌اندرکارند و مسئول هستند، همه باید طبق قانون، با دقت کامل، با رعایت کمال تقوا و پاکدستی عمل کنند تا انتخابات سالمی پیش بیاید؛ و مطمئناً هم چنین خواهد شد.» (۹۱/۱۰/۱۹)

در همین راستا با تعبیر انتخابات به مثابه "حق الناس" مواجه هستیم که در کلام رهبر معظم انقلاب اسلامی جایگاه ویژه‌ای یافته است. معظم‌له در انتخابات خردادماه سال ۹۲، پس از شرکت در انتخابات خطاب به مسئولان صندوق‌ها و بازشماری و قرائت آراء فرموده بودند: «بدانند رأی مردم امانتی است دست آنها و حق الناس است؛ یعنی حفظ امانت در این مسئله، حق الناس است» (۹۲/۳/۲۴)

برای فهم بهتر ابعاد حق الناس بودن انتخابات باید به این نکته توجه نمود که انتخابات فرآیندی است که دارای بخش‌های مختلف و بازیگران متعدد است. لازمه کمال و سلامت آن نیز آن است که هر یک از این بخش‌ها به وظیفه ساختاری خود عمل نمایند و اگر خللی به هر یک از این بخش‌ها وارد باشد، به واقع در این امانتی که در اختیار بازیگران و نقش‌آفرینان نهاده شده است، لطمه‌ای وارد شده است.

مهمترین رکن تحقق انتخابات سالم متعلق به مجریان انتخابات است که به واقع رای مردم امانتی نزد آنان به حساب می‌آید و انتظار آن می‌رود که در جهت حفظ و صیانت آن بیشترین تلاش را نمایند تا کوچکترین تخلفی از خواست و رای ملت حاصل نگردد. رهبری در دیدار با بسیجیان در استان خراسان شمالی یادآور می‌شوند: «فرض ما بر این است که مسئولین کشور با وجدان اسلامی و الهی وارد می‌شوند و انتخابات ما سالم است. در گذشته هم که در دولت‌های مختلف انتخابات انجام گرفته است - چه انتخابات ریاست جمهوری، چه انتخابات مجلس، چه دیگر انتخاب‌ها - فرض ما بر این بوده است که انتخابات، انتخابات سالمی است. البته مراقبت‌های گوناگون از جهات مختلف لازم است انجام بگیرد.» (۹۱/۷/۲۴)

بخش دیگر بخش نظارتی است که هم در مرحله بررسی صلاحیت نامزدها نقش دارند و هم نظارت بر حسن اجرای انتخابات. در مرحله بررسی صلاحیت‌ها رعایت حق الناس همان رعایت قانون است تا اولاً همه کسانی که مطابق با قانون شرایط لازم برای ورود به میدان رقابت انتخاباتی را دارند، بتوانند وارد این میدان شوند و به ناحق کسی رد صلاحیت نشود، و ثانیاً تنها کسانی که صلاحیت دارند تایید صلاحیت شده و ناصالحان به هیچ وجه تحت تاثیر تعلقات سیاسی، نفوذ صاحبان قدرت و فشار موافقان و مخالفان اجازه ورود در میدان رقابت انتخاباتی را نیابند. تضمین سلامت انتخابات و صیانت از رای ملت نیز تجلی دیگری از رعایت حق الناس است که بر عهده دستگاه‌های نظارتی گذاشته شده است.

در نگاه معظم له مسئول حفظ سلامت انتخابات تنها ستاد انتخابات کشور و شورای نگهبان نمی‌باشند، بلکه همه جناح‌های سیاسی، نامزدهای انتخاباتی، رسانه‌ها، هواداران و توده‌های رای دهنده در این میان نقش خواهند داشت. به واقع

صحنه‌گردان اصلی رقابت‌های انتخابات نامزدهای انتخاباتی و احزاب و گروه‌های سیاسی حامی آنان هستند که آنان نیز در حفظ سلامت انتخابات وظیفه دارند. احزاب باید تلاش کنند تا منافع جناحی را مقدم بر منافع ملی قرار ندهند و متناسب با صلاح کشور و منافع جامعه، بهترین و شایسته‌ترین را برای رقابت سیاسی به مردم معرفی نمایند و از فریب و اغواگری افکار عمومی پرهیز کنند. پایبندی به قانون و اخلاق انتخاباتی می‌تواند بسترساز سلامت انتخابات گردد. احزاب سیاسی باید از هر اقدامی که سلامت انتخابات را زیر سوال می‌برد پرهیز کنند و نگذارند که سلامت انتخابات زیر سوال رود.

انتخابات سالم انتخاباتی است که در آن حتی از یک رای ملت صیانت شود. عملکرد چهل و چهار ساله جمهوری اسلامی نشان داده است که همواره از رای ملت صیانت کرده و اجازه ندهد است که آنچه غیر خواست و رای ملت است محقق گردد. لذا رهبری خطاب به مسئولین در هنگام رای‌گیری در انتخابات ریاست جمهوری نهم فرمودند: «امروز هم من از دست‌اندرکاران انتخابات - هم مجریان و هم ناظران - جداً و موکداً درخواست می‌کنم که از آراء مردم حفاظت کنند. آراء مردم امانتی است در دست آنها و بدون هیچ‌گونه جانبداری و دخالت دادن امیال خودشان، رأی مردم را بگیرند و آن‌چنان که هست، بخوانند و ثبت کنند و سپس اعلام کنند. و همین‌طور هم خواهد بود...» (۸۴/۴/۳) معظم‌له در آستانه انتخابات سال ۱۳۹۲ یادآوری می‌شوند: «یک مسئله‌ی دیگر این است که به مردم گفته شود، تلقین شود که انتخابات سلامت لازم را ندارد.» (۹۱/۱۰/۱۹)

در این میان دشمنان ملت ایران همواره تلاش در القاء عدم سلامت در انتخابات داشته‌اند که این حربه از همان اولین مراجعه به آراء ملت که در فراندوم جمهوری

اسلامی در فروردین ۱۳۵۸ کلید خورده و تا امروز تداوم یافته است. تلاش مستمر دشمن برای زیر سوال بردن سلامت انتخابات هر چند همواره شکست خورده، اما در انتخابات آتی نیز به لطایف الحیلی ادامه خواهد داشت، لذا باید تلاش نمود تا جامعه در این زمینه به آگاهی و اطمینان کامل برسد که انتخابات در جمهوری اسلامی، سالم‌ترین انتخابات در جهان بوده و خواهد بود.

## انتخابات تراز انقلاب با حضور حداکثری

سال ۱۴۰۲ در آخرین ماه خود یکی از مهمترین تحولات سیاسی کشور را به خود خواهد دید. برگزاری همزمان دو انتخابات مجلس شورای اسلامی و مجلس خبرگان رهبری، سرنوشت بخشی از تحولات سیاسی کشور در سالهای آتی را نیز مشخص خواهد کرد و نتایج حاصل از آن حتی می‌تواند انتخابات ریاست جمهوری را نیز تحت الشعاع قرار دهد.

انتخابات اسفند در شرایط متفاوتی از ادوار انتخابات گذشته برگزار می‌شود و همین امر موجب شده است تا رهبر معظم انقلاب که معمولاً فعالین سیاسی و رسانه‌ها را از ورود زودهنگام به انتخابات انذار می‌دادند و آن را مانعی برای کارآمدی دستگاه‌های اجرایی و تقنینی می‌دانستند، در یکی از اولین دیدارهایشان در سال جدید، در مورد انتخابات آتی اظهارنظر داشته باشند. ملاحظاتی که چارچوب هوشمندانه‌ای را برای فعالین سیاسی و متولیان امر مشخص می‌کند. معظم له در جمع مسئولان کشور که از طیف‌های مختلف سیاسی در آن حضور داشتند، فرمودند:

«مسئله‌ی دیگر انتخابات آخر سال است. این انتخابات خیلی مهم است. انتخابات می‌تواند مظهر قوت ملی باشد. اگر انتخابات درست برگزار نشود، ضعف کشور و ضعف ملت را نشان می‌دهد؛ ضعف دولت را، ضعف مسئولین را، ضعف آحاد مردم را و ضعف کشور را نشان می‌دهد. هر چه ما ضعیف بشویم، تهاجم و فشار دشمنان ما بیشتر خواهد شد. اگر می‌خواهید جلوی فشار دشمن گرفته بشود، باید قوی بشویم. یکی از ابزارهای مهم قوت کشور همین انتخابات است. مسئولانی که مرتبط هستند

از همین حالا - البته می‌دانم که دنبال کرده‌اند - راهبرد مشارکت را، راهبرد امنیت انتخابات را، راهبرد سلامت انتخابات را، راهبرد رقابت انتخابات را مشخص کنند؛ انتخابات خوبِ سالم با مشارکت بالایی ان‌شاءالله در آخر سال داشته باشیم.» (۱۴۰۲/۱/۱۵)

این تأکیدات به خوبی در اولویت بودن انتخابات را برای سال جدید مشخص می‌کند. بدون شک برگزاری انتخاباتی باشکوه و در تراز جمهوری اسلامی، یکی از ماموریت‌های مهم نظام اسلامی است که باید برای تحقق آن اندیشه کرد و مقدمات آن را فراهم نمود. تأکید رهبر انقلاب بر چهارگانه، مشارکت، امنیت، سلامت و رقابت، به خوبی حکایت از ابعاد مختلف تحقق انتخابات مطلوب دارد که با توجه توأمان به شاخص‌های انتخابات مطلوب حاصل خواهد شد.

با این حال انتخابات شایسته و مایه آبروی نظام اسلامی دارای مولفه‌ها و شاخص‌هایی است که درکلام حکیم فرزانه انقلاب اسلامی در طول سال‌های متممادی معرفی شده است. توجه به این شاخص‌ها می‌تواند جهت فعالیت دغدغه‌مندان نظام اسلامی را در انتخابات آتی معین سازد. به واقع همه تلاش‌ها و برنامه‌ها باید در جهت تحقق چنین انتخاباتی صورت گیرد.

## انتخابات پرشور و حداکثری

مهمترین ملاحظه مورد توجه رهبر معظم انقلاب اسلامی در همه انتخابات‌های جمهوری اسلامی «در درجه‌ی اول، مشارکتِ بالا است» (۱۴۰۰/۲/۲۱) مساله "مشارکت حداکثری" و حضور گسترده ملت در پاي صندوق‌های رای که همواره مورد

تاکید ایشان بوده و در این باره اظهار داشته‌اند: «این حرف اول من و مهم‌ترین حرف من در همه‌ی دوره‌های انتخابات بوده است، الان هم هست: شرکت همگانی و بانشاط مردم.» (۹۴/۱۰/۳۰) از نگاه ایشان «آنچه که باید به عنوان راهبرد اساسی مورد نظر همه باشد، عبارت است از حضور حداکثری مردم.» (۸۳/۸/۲۴)

مشارکت گسترده ملت در انتخابات آنقدر بااهمیت است که معظم‌له با صراحت اعلام می‌دارد: «من بارها گفته‌ام که اصل حضور مردم در انتخابات، حتی از انتخاب اصلح هم مهم‌تر است؛ اگرچه انتخاب اصلح هم بسیار اهمیت دارد.» (۸۴/۲/۱۷) این تأکید برخاسته از عمق باوری است که معظم‌له به جایگاه مردم در نظام اسلامی داشته به نحوی که از تعبیر "نظام مردم سالاری دینی" برای حکومت اسلامی یاد می‌کند. معظم‌له در دیدار اساتید و دانشجویان در دانشگاه علم و صنعت، در جمله معترضه‌ای می‌فرمایند: «بعضی‌ها اسم مردم را می‌آورند؛ اما حقیقتاً اعتقادی به مشارکت مردم ندارند. بعضی اسم مردم را می‌آورند؛ اما به مردم اعتماد ندارند. بنای جمهوری اسلامی بر اعتماد به مردم و اعتقاد به مشارکت مردم است. بنای جمهوری اسلامی بر اعتماد به مردم و اعتقاد به مشارکت مردم است.» (۸۷/۹/۲۴)

در نگاه ایشان چنین حضور گسترده‌ای رمز بقا و تداوم انقلاب اسلامی است چرا که جمهوری اسلامی متکی بر رای و اعتماد به ملت شکل گرفته است. معظم‌له «علاج دردهای مزمن کشور را در پُرشور بودن انتخابات» می‌داند و در آستانه انتخابات ریاست جمهوری نهم به این حقیقت چنین اشاره می‌کند: «کشور ما متکی به آراء مردم است. علت اینکه دشمنان ملت و طمع‌ورزان به این آب و خاک نتوانسته‌اند در طول ۲۶ سال گذشته گزندی وارد کنند، حضور و اراده و مشارکت مردم در صحنه‌های مختلف بوده است. راه پیمایی‌های شما در بیست و دوم بهمن یا در روز قدس و شرکت

شما در انتخابات‌های گوناگون سال‌های گذشته، این کشور را بیمه کرده است. مشارکت در سرنوشت کشور علاوه بر اینکه در اداره و تعیین مدیریت کشور نقش دارد، در خنثی کردن دشمنی دشمنان هم بزرگترین نقش را ایفا می‌کند.» (۸۴/۱/۱)

ایشان از دانشجویان بسیجی چنین مطالبه دارند که: «تلاش شما باید این باشد که مشارکت را به معنای حقیقی کلمه حداکثری کنید.» (۸۴/۳/۵) و در مقام یک مرجع عالیقدر اعلام می‌دارند که «هر کسی به استحکام این نظام علاقه‌مند است، هر که به اسلام علاقه‌مند است، هر که به ملت ایران علاقه‌مند است، برای او عقلاً و شرعاً واجب است که در این انتخابات شرکت کند.» (۸۸/۳/۱۴)

از نگاه رهبری «بین کسانی که به نظام معتقدند و کسانی که مخالف نظامند، در حقوق شهروندی تفاوتی نیست.» (۸۰/۶/۱۵) و برای حضور در پای صندوق رای لازم نیست که اعتقادی خاص یا گرایش سیاسی ویژه‌ای داشته باشی، لذا «هر کس اسلام را دوست دارد، انقلاب را دوست دارد، نظام را دوست دارد، ایران را دوست دارد باید در انتخابات شرکت کند.» (۹۸/۱۱/۲۹)

عواملی چون ناآگاهی از اهمیت رای دادن، نارضایتی مردم از برخی عملکردها و ناکارآمدی‌های دستگاه‌های اجرایی در برخی ادوار انتخاباتی در کنار بی‌اعتمادی به برخی روندهای انتخاباتی، موجب می‌گردد تا بخشی از جامعه با وجود آنکه تعلقی به دشمن ندارند، در پازل آنان بازی کرده و در پای صندوق رای حاضر نگردند. همین امر ضرورت جهاد تبیین برای تحقق مشارکت حداکثری در انتخابات را آشکار می‌سازد. باید کاری کرد که مردم اهمیت انتخابات و معنا و تبعات حضور و عدم حضورشان را دریابند و همه آنان که ایران را یکپارچه و مقتدر و با عزت می‌خواهند با



وجود مشکلات و اختلاف نظر بر سر حضور بر پای صندوق رای به یک «وفاق ملی» برسند و همچون ۴۴ سال گذشته، نقشه‌های دشمن را نقشه بر آب کنند.

مبتهنی بر همین منطبق است که معظم له می‌فرمایند: «همه بیایند... آن کسانی که ممکن است نسبت به نظام جمهوری اسلامی هم حَتّی مسئله داشته باشند، نسبت به امنیت کشور که دیگر مسئله ندارند، نسبت به اقتدار کشور که دیگر مسئله ندارند. خب، امروز این نظام، امنیت کشور را حفظ کرده است، پیشرفت کشور را تسریع کرده است، به این مَلّت عَزّت داده است؛ اینها که دیگر قابل انکار نیست، اینها را که دوست دارند؛ [پس] وارد این میدان بشوند برای عَزّت بخشیدن به ایران و ایرانی، برای استمرار امنیت مَلّی، برای تضمین پیشرفتی که بحمدالله از اوّل انقلاب شروع شده و تا امروز بی‌وقفه پیش رفته؛ برای اینها باید وارد بشوند. همه باید وارد بشوند.» (۹۴/۱۰/۳۰)

ایشان با شناخت جامع و کاملی که از صحنه تقابل انقلاب اسلامی و دشمنان حقیقت دارند، به دقت گوشزد می‌کنند: «یک عده‌ای کمین کرده‌اند که با عدم ورود مردم در عرصه‌ی انتخابات یا با تحریم انتخابات یا با سست کردن انتخابات یک مچ‌گیری از نظام جمهوری اسلامی بکنند؛ یک عده‌ای کمین کرده‌اند.» (۹۴/۱۰/۳۰) رهبری از تلاش‌های ناکام دشمن در ادوار گذشته انتخابات چنین یاد می‌کند: «در یک دوره‌ای سعی کردند انتخابات مجلس شورای اسلامی را به انواع و اقسام حيله‌ها متوقف کنند. خدای متعال نخواست و اراده‌ی مردان مؤمن نگذاشت؛ نتوانستند. از این مأیوسند که انتخابات را به کلی تعطیل کنند. در درجه‌ی بعد، هدفشان این است که انتخابات سبک و سرد برگزار بشود. می‌خواهند ملت ایران حضور فعالی در انتخابات نداشته باشد.» (۸۸/۲/۲۲)

یقیناً با توجه به این تأکیداتی که در طول این سالها از سوی رهبر معظم انقلاب برای حضور مردم در انتخابات صورت گرفته است ، با توجه به شرایط امروز منطقه ای و داخلی ، حضور در انتخابات اسفند ماه دو چندان احساس می شود.

## رقابتي و فراگيري دو ويژگي انتخابات تراز انقلاب

يکي از شاخص‌هاي انتخابات شايسته نظام اسلامي، رقابتي بودن انتخابات است. رقابتي بودن بدین معنا که با تکرر و تعدد نامزدهاي انتخاباتي حق انتخابات و گزينش براي راي دهندگان وجود داشته باشد. این مساله خود يکي از عوامل موثر در جدي شدن انتخابات و پرشور خواهد بود که موجب افزايش اشتياق شرکت کنندگان در انتخابات خواهد شد.

توجه رهبر معظم انقلاب اسلامي به مساله اهميت رقابتي بودن را مي‌توان در این بخش از پيام معظم‌له که بعد از انتخابات رياست جمهوري هفتم صادر فرموده‌اند به خوبي مشاهده نمود: «از ساير نامزدهاي محترم رياست جمهوري که با آمادگي و حضور خود در ميدان این آزمائش الهي، بزرگترين کمک را به ايجاد رقابت انتخاباتي و انگيزه بخشيدن به مردم کردند، صميمانه تشکر مي‌کنم. بي‌شک بدون حضور افکار و سلیقه‌ها و منش‌هاي متنوع در صحنه‌ي نامزدي رياست جمهوري، این موج عظيم حضور ملي پديدار نمي‌گشت و این افتخار براي ملت ايران به ثبت نمي‌رسيد.» (۷۶/۳/۳)

رهبري يکي از شروط باشکوه برگزار شدن انتخابات را وجود تکرر و رقابتي بودن انتخابات مي‌دانند و با همين باور است که ایشان درخواست دارند: «آن کساني که نظام، اسلام، قانون اساسي و امام را قبول دارند، بايد به ميدان رقابت بيايند؛ منتها رقابت سالم و نه رقابت لجوجانه و عنادآمیز.» (۸۲/۱۰/۱۸)

البته تاکید ایشان بر رقابت سالم و مثبت است! «رقابت سالم این است که همه خوب بازی کنند، همه خوب حرکت کنند.» (۹۴/۱۰/۳۰) لذا معظم له در قبل از انتخابات مجلس هشتم خطاب به اعضای هیات دولت فرمودند: «بعضی خیال می کنند انتخابات، زمره‌های انتخابات، فضای انتخاباتی، مایه‌ی اختلاف است؛ نه، می تواند مایه‌ی اتحاد باشد؛ می تواند تشجیع کننده‌ی به سرعت عمل و پیشرفت باشد؛ با رقابت مثبت. هر گروهی سعی کنند برای خدمتگزاری به این ملت، سهم متناسب با خودشان را که لایق خودشان می دانند، به دست بیاورند؛ هیچ اشکالی ندارد. این رقابت مثبت به جامعه نشاط می بخشد، ما را زنده دل می کند، روح جوانی را بر جامعه‌ی ما حاکم می کند.» (۸۶/۷/۲۱)

"هدف" از این رقابت است که می تواند مثبت و منفی بودن آن را مشخص کند، چرا که مبتنی بر تاکیدات معظم له «در اسلام برای قبضه کردن قدرت، رقابتی وجود ندارد. این را از آن جهت می گویم که عده‌ای تنها برای کسب قدرت سیاسی تلاش می کنند و به رقابت مشغولند. بنابراین رقابت صحیح، مشروع و مقبول، رقابت در خدمت رسانی به مردم است.» (۸۲/۱/۱)

### انتخابات فراگیر

یکی دیگر از مولفه‌های موثر در رسیدن به انتخابات تراز جمهوری اسلامی، فراهم آوردن بستری برای حضور همه استعدادها و گرایش‌هایی است که به قانون اساسی و آرمان‌های ملت اعتقاد داشته و برای اداره کشور برنامه دارند. به واقع انتخابات شایسته و حقیقی به صرف تعدد نامزدها حاصل نخواهد شد، بلکه لازمه این تعدد تکرر و تنوع افراد و سلیقه‌ها و گرایش‌ها خواهد بود که امکان انتخاب‌های مختلف را برای مردم فراهم خواهد آورد.

دغدغه بکارگیری همه نیروها در مدیریت کشور و فراهم آوردن حضور آنها در رقابت انتخاباتی و به نوعی برگزاری انتخاباتی فراگیر با حضور همه گرایش‌های سیاسی به رسمیت شناخته شده در قانون را می‌توان در این توصیه حکیم فرزانه انقلاب اسلامی به اعضای هیأت مرکزی نظارت بر انتخابات چهارمین دوره‌ی مجلس شورای اسلامی مشاهده نمود. معظم‌له در آن دیدار فرمودند: «هرچه افراد از جهات و جناح‌های مختلف بیشتر در انتخابات شرکت کنند، این برای نظام بهتر است؛ برای شورای نگهبان هم بهتر است. ما باید کاری کنیم که این امکان و وسیله برای ورود اشخاص بیشتر فراهم بشود. نباید طوری باشد که یک جریان، ولو در یک شهر خاص، احساس بکند که در این انتخابات وارد نیست؛ باید طوری باشد که در همه جا همه احساس کنند که می‌توانند آن فرد مورد نظر خودشان را واقعاً آزادانه انتخاب بکنند؛ یعنی شورای نگهبان و حرکتی که در این مقطع انجام می‌دهد، باید مظهر و آینه‌ی اعتماد عمومی باشد.» (۷۰/۱۲/۴)

رهبر معظم انقلاب در نگاهی فراتر به وجود تکثر سیاسی در چارچوب نظام اسلامی قائل هستند. به نحوی که در دیدار جمعی از فضایی حوزه علمیه قم، در تابستان سال ۱۳۸۸ و در ایامی که کشور درگیر فتنه انتخابات ریاست جمهوری دهم بود، اذعان داشتند: «من یک وقتی اینجا به خود آقای خاتمی - همان وقت که ایشان وزیر بود و آمد پیش من - گفتم بین آقای خاتمی! اگر امروز یک جریان چپ در کشور وجود نداشت من لازم می‌دانستم یک جریان چپ به وجود بیاورم تا برآیند این دو حرکت - [یعنی] حرکتی که آقای هاشمی و او شروع کرده - یک برآیند معتدل باشد.» (۸۸/۴/۳۰)

البته این تکثر و تنوع باید دارای چارچوبی باشد که همانطور که پیش از این اشاره گردید، از منظر رهبر معظم انقلاب اسلامی "اعتقاد به نظام اسلامی، اسلام، قانون اساسی و حضرت امام(ره)" شروط لازم برای آن است. به واقع این دایره فراگیری تنها جریان‌ها و گروه‌های سیاسی را در بر می‌گیرد که در نظر و عمل پایبندی خود را به انقلاب اسلامی و قانون اساسی و منافع ملی ثابت کرده باشند که در قانون اساسی وظیفه تشخیص آن برعهده شورای نگهبان گذاشته شده است. جریان‌های سیاسی که مرزهای خود و غیر خود را در نوردیده و برای ضربه زدن به نظام اسلامی اردوگاه واحدی را با ضدانقلاب تشکیل داده‌اند و کسانی که برای پیشبرد اهداف خود از تحصن و خانه‌نشینی و... برای فشار بر نظام اسلامی بهره برده‌اند، باید برای بازگشت به دایره فراخ نیروهای خودی در مقابل رفتار سیاسی‌شان به ملت و نظام اسلامی پاسخگو باشند.

## اخلاق محوری و شایسته سالاری دو ویژگی مهم انتخابات تراز انقلاب

یکی دیگر از شاخص‌های مورد تاکید مقام معظم رهبري در انتخابات توجه به «سلامت رقابت‌های انتخاباتی» است که تحقق آن در گرو رعایت اخلاق در میدان رقابت‌هاست. توجه به مسائلي از قبیل پرهیز از دروغ، تهمت و افترا، تخریب، سیاه‌نمایی، بزرگنمایی مشکلات، اسراف، هزینه‌کردهای غیرشرعی، دادن وعده‌های غیرواقعی، خرید رای و ... نمونه‌ای از دغدغه‌هایی است که توجه به آن می‌تواند متضمن سلامت رقابت انتخابات باشد. این اصول در سطوح مختلف رقابت انتخاباتی همچون تبلیغات، مناظرات و گفتگوها و مصاحبه‌ها با رسانه‌های مختلف، یادداشت‌های مطبوعاتی وابسته به جریان‌های سیاسی و همچنین رقابت نزد طرفداران و هواداران باید مورد توجه قرار گیرد.

حکیم انقلاب در دیدار با دست‌اندرکاران برگزارى انتخابات، ضمن تاکید بر رعایت اخلاق، آن را شرط سلامت انتخابات دانستند و فرمودند: «نامزدهای انتخاباتی به یکدیگر اهانت نکنند؛ خب، جنابعالی نامزد هستید، معتقدید که آدم صالحی هستید، آدم برجسته‌ای هستید؛ بسیار خوب، از خودتان هرچه می‌خواهید تعریف کنید، بکنید اما به رقیبتان اهانت نکنید، به رقیبتان تهمت نزنید، از رقیبتان غیبت هم نکنید؛ تهمت و افترا یعنی نسبتی بدهید که واقعیت ندارد، [اما] غیبت یعنی نسبتی بدهید که واقعیت دارد؛ غیبت هم نباید بکنید. بنابراین این هم یک وظیفه است و یک معیار است برای سلامت انتخابات.» (۹۴/۱۰/۳۰)

در سال ۱۳۸۵ نیز رهبر معظم انقلاب در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی با صراحت از این مهم چنین یاد کردند: «بعضی فضای انتخابات را خراب می‌کنند؛ تخریب کردن، اهانت کردن و خُرد کردن شخصیت‌های گوناگون، همه برخلاف اقتضای سلامت انتخابات است. هم مطبوعات، هم رادیو و تلویزیون، هم کسانی که به ابزارهای گوناگون ارتباط جمعی دیگری مجهز هستند- رایانه‌ها و شیوه‌های رایانه‌ای- هم کسانی که یک منبری برای سخن گفتن دارند؛ مثل خطبای جمعه و نمایندگان مجلس شورای اسلامی؛ همه توجه داشته باشند که «تخریب، فضای انتخابات را خراب می‌کند». شما از آن کسی که به او علاقه‌مندید، دفاع کنید؛ هیچ مانعی ندارد؛ اما به آن کسی که رقیب اوست، مطلقاً حمله نکنید؛ تخریب نکنید. این تخریب و این حرف زدن‌ها و اهانت کردن‌ها، نه حجیت دارد برای مستمعان، و نه جایز است؛ به خاطر اینکه فضا را خراب می‌کند. بنابراین مسئله‌ی حفظ سلامت خود انتخابات و حفظ سلامت فضای انتخابات، خیلی مهم است.» (۸۵/۷/۱۸)

معظم‌له در نفي رفتار و قضاوت‌های افراطی در انتخابات می‌فرمایند: «بعضی‌ها رقیب انتخاباتی خودشان را «شیطان اکبر» به حساب می‌آورند! شیطان اکبر آمریکاست، شیطان اکبر صهیونیسم است؛ رقیب جناحی که شیطان اکبر نیست، رقیب انتخاباتی که شیطان اکبر نیست. من طرفدار زیدم، شما طرفدار عمروئی؛ من شما را شیطان بدانم؟ چرا؟ به چه مناسبت؟ در حالی که زید و عمرو هر دو ادعای انقلاب و اسلام می‌کنند، در خدمت اسلام و در خدمت انقلابند.» (۹۱/۷/۲۴)

رهبر معظم انقلاب قبل از برگزاری انتخابات مجلس هشتم می‌فرمایند: «در همین انتخابات اگر بد عمل نکنیم، به هم بد بگوئیم، با هم کینه‌ورزی کنیم، به یکدیگر



تهمت بزنییم، برخلاف قوانین و مقررات رفتار کنیم، می‌تواند وسیله‌ی سقوط و ضعف و انحطاط باشد؛ دست خود ماست؛ امتحان الهی است.» (۸۶/۷/۲۱)

معظم‌له در انتخابات دهم ریاست جمهوری با تأکیدات بیشتری بر مساله رعایت اخلاق و قانون توسط نامزدهای انتخاباتی تأکید نمودند و فرمودند: «نامزدهای محترمی که تاکنون نام‌نویسی کرده‌اند و مشغول تبلیغات و اظهاراتی هستند سعی کنند با انصاف عمل کنند. اثبات و نفي‌شان با توجه به حق و صدق باشد!» (۸۸/۲/۲۲) ایشان هشدار می‌دهند: «نامزدهای محترم توجه داشته باشند: اذهان عمومی را تخریب نکنند. این همه نسبت خلاف دادن به این و آن، تخریب‌کننده‌ی اذهان مردم است؛ واقعیت هم ندارد؛ خلاف واقع هم هست.» (۸۸/۲/۲۲)

### انتخابات شایسته‌سالار

یکی از شاخص‌های انتخابات شایسته نظام اسلامی آن است که فرآیند انتخابات به نحوی باشد که در نهایت شایستگان و اصلحان بر مسند قدرت تکیه زنند. این مساله رمز تعالی و ارتقاء نظام اسلامی است که در آموزه‌های دینی نیز فراوان بر آن تأکید شده است. رهبر معظم انقلاب در تمامی انتخابات گذشته بر ضرورت انتخاب اصلح تأکید داشته‌اند، معظم‌له در سفر به خراسان شمالی و در جمع بسیجیان در این زمینه می‌فرمایند: «آن چیزی که در مورد انتخابات خواسته‌ی ماست، فکر ماست، آرزوی ماست، این چند چیز است: ... دیگر اینکه از خدا بخواهیم و خودمان هم چشممان را باز کنیم؛ کاری کنیم که نتیجه‌ی انتخابات، یک‌گزینش خوب و همراه با صلاح و صرفه‌ی انقلاب و کشور باشد.» (۹۱/۷/۲۴)

ایشان با صراحت اعلام می‌دارند که «مردم باید به فکر شناخت اصلح باشند؛ چون امر کوچکی نیست» (۸۰/۲/۱۱) و معتقدند: «آنچه که برای مردم در این انتخابات و همه‌ی گزینش‌های ملی و انتخابات‌ها مهم است، این است که سطح کارآمدی نظام روز به روز ارتقا پیدا کند؛ این اساس مسئله است. اگر مردم دنبال رئیس‌جمهور یا دنبال نماینده‌ی مجلس می‌گردند یا دنبال دیگر کسانی هستند که می‌خواهند آن‌ها را با انتخاب تعیین کنند، در پی آن هستند که انسان‌های کارآمدی را بر اریکه‌ی مسئولیت بنشانند تا آن‌ها بتوانند سطح کارآمدی نظام را افزایش بدهند و مشکلات مادی و معنوی مردم را حل کنند؛ این خواست مردم است. حالا گروه‌ها و احزاب و عناصر سیاسی هم هرکدام نقطه‌نظرهایی دارند؛ آن نقطه‌نظرات برای خودشان است.» (۸۳/۸/۲۴) لذا است که توجه و تأکید بر انتخاب اصلح معنا می‌یابد.

البته این امر در نگاه رهبر معظم انقلاب اسلامی برعهده مردم واگذار شده است نه بر عهده نخبگان! خواص نقش مشورت‌دهی و هدایتگری را بر عهده دارند اما در نهایت این حق و وظیفه مردم است که باید به گزینه اصلح رای دهند. معظم‌له به این وظیفه خطیر مردم در نظام مردم‌سالار دینی چنین اشاره دارند: «البته هرکس صلاحیتش در مراکز قانونی تأیید شود، صالح است؛ اما باید در بین صالح‌ها گشت و صالح‌تر را پیدا و او را انتخاب کرد. این، هنر شما مردم است.» (۸۴/۲/۱۷)

نکته قابل ملاحظه دیگر آنکه "اصلح‌گزینی" نباید موجب اختلافات و درگیری در میان اقشار جامعه گردد و هدف بالاتر انتخابات که افزایش همبستگی ملی است را خدشه‌دار کند، لذا معظم‌له با صراحت اعلام می‌دارند، «افرادی که از تأیید شورای نگهبان عبور کرده‌اند، قانوناً صالح‌اند. البته صلاحیت‌ها یک اندازه نیست؛ صالح داریم، اصلح داریم؛ تشخیص‌ها مختلف است؛ یکی چیزی را ملاک قرار می‌دهد و

کسی را اصلح می‌داند و کسی چیز دیگر را ملاک قرار می‌دهد. اشکالی ندارد؛ این‌ها نباید موجب اختلاف شود. مبدا به خاطر علاقه‌مندی یک دسته به یک نامزد ریاست جمهوری و دسته‌ی دیگر به یک نامزد دیگر، بین آحاد مردم شقاق و اختلافی پیدا شود. چه مانعی دارد؟ قانون همین را خواسته است که مردم طبق سلیقه خودشان بگردند و انتخاب کنند. (۸۰/۲/۲۸)

و در آستانه انتخابات ریاست جمهوری یازدهم ضمن تاکید بر اصلح‌گزینی انذار می‌دهند: «این معنایش این نیست که اگر ما کسی را نپسندیدیم، با او بد اخلاقی کنیم، برخورد تند و سخت و غلط بکنیم؛ نه. آن کسانی که خودشان را صالح می‌دانند، برای خودشان اهلیت فائند، وارد میدان شوند.» (۹۱/۷/۲۴)

هرچند برای رسیدن به شایسته‌ترین فرد باید تلاش و تحقق نمود و به کارشناسان مراجعه کرد، اما وسواس در انتخاب اصلح نیز روا نبوده و نباید منجر به عدم شرکت در انتخابات ختم گردد! لذا توصیه دارند که: «هرکس که برود رأی بدهد، چه رأی او صائب باشد و به اصلح رأی داده باشد و چه اشتباه کرده باشد و به غیر اصلح رأی بدهد، همین اندازه که از روی احساس تکلیف نسبت به آینده پای صندوق برود و رأی بدهد، این رأی پیش خدای متعال مأجور و موجب ثواب است و این شخص، علاقه‌مند به نظام و رهبری است. آنچه که مهم است، این احساس تکلیف است. همه‌ی آحاد ملت، این احساس تکلیف را باید بکنند.» (۷۶/۲/۱۳)

*رهبر معظم انقلاب اسلامی در مورد ویژگی‌های نامزد اصلح در ادوار انتخابات موارد فراوانی از جمله «اعتقاد به نظام اسلامی، اعتقاد به آرمان‌های حضرت امام (ره)، مدیریت، کارآمدی، شجاعت، ساده زیستی و ...» را برشمرده‌اند که باید به آنها مراجعه کرد. از جمله این راهنمایی‌ها در انتخابات ریاست جمهوری*

دوازدهم است که معظم‌له در ارتباط تصویری با نمایندگان تشکل‌های دانشجویی تلاش دارد تا: «دولتی تشکیل بشود که دارای کفایت باشد، مدیریت لازم را داشته باشد، باایمان باشد، مردمی باشد، لبریز از امید باشد. مسئولین دولتی باید خودشان ناامید نباشند. اگر یک آدم ناامید و افسرده‌ای را ما در رأس یک کاری گذاشتیم، خب پیدا است که این کار پیش نخواهد رفت؛ باید لبریز از امید باشند. معتقد به توانمندی‌های داخلی باشند. آن که معتقد است که چه از لحاظ دفاعی، چه از لحاظ سیاسی، چه از لحاظ اقتصادی، چه از لحاظ تولید و امثال اینها کاری در کشور نمی‌شود انجام داد، واقعاً لایق فرمانروایی و حکمرانی بر این مردم نیست؛ بایستی کسانی بر سر کار بیایند که معتقد به مردم باشند، معتقد به جوانها باشند، عقیده‌ی به جوانها داشته باشند، واقعاً عنصر جوان را قدر بدانند، [دارای] عملکرد انقلابی باشند و حقیقتاً عدالت‌خواه باشند؛ نه اینکه به لقلقه‌ی زبان اسم عدالت آورده بشود؛ به معنای واقعی کلمه عدالت‌خواه باشند و ضدفساد باشند. «عدالت» هم البتّه فقط عدالت اقتصادی نیست؛ اگر چه رقم مهمّش عدالت اقتصادی است اما در بخش‌های گوناگون، عدالت ساری و جاری است... دنبال این باید باشید.»

(۱۴۰۰/۲/۲۱)

## اهمیت مجلس خبرگان و شبهاتی که باید پاسخ داد

همزمان با انتخابات مجلس شورای اسلامی، ششمین دوره انتخابات مجلس خبرگان رهبری در ۱۱ اسفند ۱۴۰۲ برگزار خواهد شد. انتخاباتی که سرنوشت یکی از مهمترین ارکان قدرت در جمهوری اسلامی را در دست اوست. مجلس خبرگان رهبری، نهادی است که به موجب قانون اساسی، سه مسئولیت مهم درباره رهبری نظام دارد: «انتخاب»، «برکناری» و «نظارت».

### مسئولیت‌های مجلس خبرگان

**الف) انتخاب رهبر:** انتخاب رهبری در ایران، مانند بسیاری از کشورها به صورت دو مرحله‌ای است؛ مردم در مرحله اول، به خبرگان مورد اعتماد خود رأی می‌دهند و در مرحله دوم، نمایندگان مردم، از فقهای واجد شرایط، بهترین را برای رهبری انتخاب می‌نمایند. بسیاری از صاحب نظران، انتخابات دو مرحله‌ای را برای تعیین رهبر، مناسب‌تر می‌دانند، زیرا معتقدند علاوه بر این که نمایندگان مردم، در فضایی به دور از هیجانات و تبلیغات، به بررسی و تصمیم‌گیری می‌پردازند، تجربه نیز نشان داده که وقتی فردی با رأی مستقیم اکثریت مردم به ریاست می‌رسد، بیشتر در معرض سوء استفاده از قدرت قرار دارد.

این شیوه، معقول‌ترین راه برای تعیین رهبر است، زیرا در بسیاری از نظام‌های مبتنی بر انتخابات، برای دستیابی به بالاترین مقام اجرایی کشور، اگر داوطلبان از نظر: «سن»، «تابعیت» و «اقامت» در آن کشور، واجد شرایط باشند، می‌توانند خود را

کاندیدای ریاست کنند و این شرایط به سهولت، برای مجریان انتخابات قابل تشخیص است، ولی در نظام اسلامی، رهبری نظام باید از صلاحیت بالایی علمی و شایستگی اخلاقی و قدرت مدیریت برخوردار باشد. همان گونه که برای گزینش مهندس متبخر یا پزشک حاذق، مراجعه به رأی عمومی نمی‌تواند راهکار مناسبی باشد و بهتر است این امر به متخصصین آن امر رجوع شود، در گزینش «فقیه عادل و با تقوا، آگاه به زمان، شجاع، مدیر و مدبر» نیز این امر به خبرگان منتخب مردم واگذار شده تا آنها به عنوان وکیل مردم انجام وظیفه کنند.

معیارهای انتخاب رهبر توسط مجلس خبرگان در اصل يك صدوهفتم قانون اساسی چنین آمده است: «خبرگان رهبری در باره همه فقهای واجد شرایط مذکور در اصول پنجم و يك صدونهم، بررسی و مشورت می‌کنند، هرگاه یکی از آنان را اعلم به احکام و موضوعات فقهی یا مسائل سیاسی و اجتماعی یا دارای مقبولیت عامه یا واجد برجستگی خاص در یکی از صفات مذکور در اصل يك صدونهم تشخیص دهند، او را به رهبری انتخاب می‌کنند»

در جهت اجرای این اصل و شناخت شرایط مذکور در اصل پنجم و يك صدونهم قانون اساسی، کمیسیون مرکب از یازده نفر عضو اصلی و چهار نفر عضو علی‌البدل در مجلس خبرگان تشکیل می‌گردد. وظیفه اصلی این کمیسیون، تحقیق درباره همه موارد مربوط به شرایط رهبر، موضوع اصول یاد شده، کسانی که در مظان رهبری قرار دارند و ارائه نتایج حاصله به هیئت‌رئیس برای بررسی مجلس خبرگان است.

**ب) عزل رهبر:** «تداوم رهبری» ولی امر، به «استمرار صلاحیت و شایستگی» وی بستگی دارد و با فقدان هر يك از شرایط لازم برای رهبری، مشروعیت آن از بین می‌رود. حضرت امام می‌فرمایند: «فقیه، اگر يك کلمه دروغ بگوید، يك قدم بر خلاف

بگذارد، ولایت ندارد.» و در جایی دیگر تأکید دارند: « فقیه اگر پایش را این طور بگذارد، اگر يك گناه صغیره هم بکند از ولایت ساقط است.» در قانون اساسی در سه مورد برکناری رهبري پیش بینی شده است: ۱. ناتوانی از انجام وظایف رهبري ۲. از دست دادن یکی از شرایط رهبري ۳. کشف فقدان یکی از شرایط از آغاز.

در هر يك از این موارد، قانون اساسی، تشخیص و تصمیم را بر عهده مجلس خبرگان نهاده است. اصل يك صدویازدهم می گوید: «هرگاه رهبر از انجام وظایف قانونی خود ناتوان شود، یا فاقد یکی از شرایط مذکور در اصول پنجم و يك صدونهم گردد، یا معلوم شود از آغاز فاقد بعضی از شرایط بوده است، از مقام خود برکنار خواهد شد. تشخیص این امر، به عهده خبرگان مذکور در اصل يك صدوهشتم می باشد.»

مجلس خبرگان برای اجرای این اصل، دارای کمیسیون مرکب از یازده نفر عضو اصلی و چهار نفر علی البدل است. بستگان نزدیک سببی و نسبی رهبر نمی توانند در این کمیسیون عضو باشند. کمیسیون موظف است اطلاعات لازم درباره این اصل را به دست آورده و نسبت به صحت و سُقم گزارشات واصله، بررسی نماید. اگر دوسوم کمیسیون و هیئت رئیسه، به تشکیل اجلاس خبرگان برای رسیدگی و عمل به اصل يك صدویازدهم رأی دهند، اجلاس خبرگان در اولین فرصت تشکیل می شود و پس از بررسی های لازم رأی گیری انجام می گیرد.

**ج) نظارت بر رهبر:** در جامعه اسلامی، دو نوع نظارت بر رهبري وجود دارد؛ نظارت عام مردم که در جهت ایفای نقش «النصيحة لائمة المسلمين» و «امر به معروف و نهی از منکر» انجام می گیرد. نوع دیگر، نظارت نهادینه که توسط نهاد خاصی اعمال می گردد و پشتوانه «حقوقی» دارد. در این نظارت، صرفاً به ارزیابی وقایع آشکار و

موضوع گیری‌های پیدا اکتفا نمی‌شود، بلکه حق تفحص داشته و می‌تواند از مقام مسئول پاسخ بخواهد.

در نظام اسلامی، رهبری دارای دو مسئولیت «جزایی» و «سیاسی» است. از نظر جزایی، تشریفات خاصی برای بررسی اتهامات او در دادگاه وجود ندارد و در اصل یک صدو هفتم قانون اساسی تصریح شده که «رهبر در برابر قوانین با سایر افراد کشور مساوی است». لذا رسیدگی به تخلفات او مانند سایر شهروندان است. در حالی که در برخی کشورها مانند آمریکا، رئیس‌جمهور از نوعی مصونیت قضایی برخوردار است و درباره جرائمی از قبیل ارتشا، دادگاه عادی نمی‌تواند رسیدگی کند، بلکه ابتدا کنگره به موضوع می‌پردازد و سپس پرونده در مجلس سنا مطرح می‌شود و برای رأی به محکومیت رئیس‌جمهور، رأی دو سوم سناتورها لازم است.

علاوه بر این، در جمهوری اسلامی، مجلس خبرگان عهده‌دار نظارت بر رهبری است. که مستفاد از اصل یک صد و یازدهم قانون اساسی است: تشخیص ناتوانی رهبر از انجام وظایف قانونی خود یا فقدان یکی از شرایط بر عهده مجلس خبرگان است. زیرا خبرگان مسئولیت «عزل رهبر» را بر عهده دارد - نص اصل یک صد و یازدهم قانون اساسی - پس لازمه آن نظارت بر توانایی رهبری و استمرار شرایط آن است و البته این نظارت، در تضاد با ولایت مطلقه نیست.

مجلس خبرگان برای انجام این وظیفه، دارای کمیسیون تحقیق است که علاوه بر رسیدگی به گزارشات واصله و تحقیق در باره صحت و سقم آنها به تشکیلات اداری رهبری نیز توجه داشته و به آن مقام در جلوگیری از نفوذ و دخالت عناصر نامطلوب در تشکیلات نهاد رهبری مساعدت می‌نماید.



## مجلس خبرگان در معرض هجمه شبهات

اهمیت ذاتی مجلس خبرگان رهبری به عنوان حافظ رکن اساسی نظام سیاسی اسلام و جایگاه رهبری و ولایت فقیه، موجب شده تا همواره مورد هجمه مخالفین و معارضین نظام اسلامی باشد. شبهاتی که انتشار آن موجب تضعیف این مجلس شده و اعتبار آن را نزد افکار عمومی بدبین می کند. این شبهات در آستانه انتخابات نیز پررنگ و پرتکرار می گردد تا شاید بتوان از حضور مردم در پای صندوق رای کاست و مجلس را کم اعتبار کرد.

در این بین نقاط ضعفهایی نیز در حوزه عملکردی این مجلس می توان یافت که بهانه را برای تضعیف این مجلس فراهم کرده است. پاسخ مستدل به سوالات مذکور می تواند زمینه رونق انتخابات خبرگان را فراهم کند و موجب اعتمادسازی نسبت به نظام اسلامی و نهادهای زیربربط شود. اقدامی که تحقق بخشی از آن در آستانه انتخابات می تواند در افزایش مشارکت موثر باشد.

### **شبهات مطروحه در این باب را می توان بصورت زیر دسته بندی نمود:**

۱. **سیاست زدگی:** یکی از شبهات مطرح توسط برخی آن است که ترکیب مجلس و عملکرد افراد نشان می دهد که افرادی خاص از جناحی خاص در آن حاکمیت داشته و لذا گرایش های سیاسی شان بر تصمیمات شان غلبه دارد. این عده معتقدند این در حالی است که لازمه عضویت در چنین مجلسی نوعی بی طرفی و فراجناحی بودن است.

۲. **ناکارآمدی:** یکی از محورهای مهم در تخریب چهره مجلس خبرگان زیر سوال بردن کارآمدی این مجموعه و توانایی اعضای آن است. این نگرش با طرح ادعای

عدم برگزاری جلسات مستمر و فاصله طولانی بین نشست‌های مجلس خبرگان، کهنوت سنی اکثریت اعضا و درگیر بودن با بیماری و ...، مشغله فراوان و چندشغلی بودن اعضای آن و ... برخی معتقدند که مجلس کنونی خبرگان از صلاحیت لازم برای انجام وظایف قانونی خود برخوردار نیست و ما نیازمند بازنگری جدی در روند انتخابات و شاخص‌ها و معیار نمایندگی مجلس خبرگان رهبری هستیم.

**۳. عدم استقلال:** یکی از خطوط اصلی شبهاتی که در این سالها مستمر به کار گرفته شده، القاء این انحراف است که اعضای مجلس خبرگان از استقلال لازم برای انجام وظایف قانونی خود برخوردار نیستند. اغلب منتخبین و اعضای مجلس از نمایندگان و منصوبین رهبری در امور مختلف هستند و این انتصاب مانع از آن است که بتوانند بر عملکرد رهبری و نهادهای زیرمجموعه آن اعمال نظارت کنند. بر اساس همین شبهه این عده قائلند که شاهد عدم نظارت دقیق بر عملکرد و تصمیم‌گیری‌ها و بیانات رهبری، عدم نظارت بر زیرمجموعه‌های رهبری، عدم شفاف‌سازی و پاسخگویی به ملت، غیرعلنی بودن جلسات مجلس خبرگان هستیم.

**۴. دخالت در امور غیرمرتبط:** یکی دیگر از شبهات مطروحه در مورد عملکرد مجلس خبرگان که عده ای منتقدین مرتب آن را مطرح می‌کنند این است که این مجلس به جای آنکه به وظایف قانونی خود عمل کند، در سایر امور از جمله در امور دیگر احوال دخالت می‌کند.

### اعتبارزدایی؛ راهبرد کلیدی مخالفان و شبهه افکنان

اقدامات رسانه‌ای و حمله‌های صورت گرفته علیه مجلس خبرگان با هدف کلیدی "اعتبارزدایی" دنبال می‌شود. مجلس خبرگان یکی از ارکان مهم مقوم مشروعیت

نظام اسلامي است. اين مجلس بايد براي حفظ جايگاه و اعتبار خود نزد افکار عمومي تلاش کند. اعتبار زدائي از اين مجلس مي تواند تهديدي براي نظام اسلامي به حساب آيد که در انتخابات اسفند ماه ممکن است خود را نشان دهد.

اين اعتبار زدائي آنگاه بيش از پيش اهميت خود را آشکار مي سازد که اين مجلس بنا به اقتضائات پيش آمده در جايگاه و مقام تصميم گيري براي انتخاب رهبري جامعه اسلامي قرار گيرد. مجلس خبرگاني که از وجاهت و اعتبار لازم نزد افکار عمومي برخوردار نباشد، نخواهد توانست در بزنگاه لازم انتخاب مطلوب خود را نيز به عنوان برترين انتخاب و ضرورتي براي جامعه اسلامي موجه و اعتبار افزائي نمايند. به واقع مقبوليت منتخب مجلس خبرگان متغير وابسته اي است که رابطه مستقيمي با اعتبار مجلس خبرگان رهبري دارد.

### راهکار مواجهه

**براي مقابله با شبهه افکني و هجمه هاي برشمرده توجه به نکات زير مي تواند راهگشا است:**

۱. **ضرورت شفاف سازي:** پاسخگويي به افکار عمومي يکي از اقدامات مهمي است که متاسفانه در طول سال هاي اخير موجب شده تا شبهات شبهه افکنان در مورد اين مجلس تا حدودی کارساز شود. برای خنثی کردن اين شبهات بايد مکانيزمي صحيح براي پاسخگويي در قبال عملکرد مجلس خبرگان طراحي و آن را اجرا کرد. اين بد است که حتی توده هاي مردم نمي دانند که اعضاي مجلس خبرگان چند نفرند و دقيقاً چه وظايفي دارند و چطور وظايف محوله را پيگيري مي کنند! همين امر موجب

بی‌توجهی افکار عمومی به مجلس خبرگان شده و بستر برای نشستن شبهات در اذهان عمومی را فراهم گردد.

**۲. ضرورت رسانه‌ای شدن:** یکی دیگر از اقدام ضروری برای ناکام گذاشتن سناریو دشمن، رسانه‌ای کردن و چهره‌سازی اعضای مجلس خبرگان است. مشی اخلاقی و مرام تربیت بزرگان دینی ما همواره بر تواضع و فروتنی و حاشیه نشینی و پرهیز از جلوه‌گری و رسانه‌ای شدن بوده است. این مرام هر چند خود منشائی برای اعتبار و مقبولیت ایشان است، اما از دیگر سو نیازمند آن هستیم که اعضای مجلس خبرگان بیش از پیش در جامعه حضور یافته و افکار عمومی با خصوصیات، ویژگی‌ها، توانایی‌ها و تخصص‌هایشان آشنایی بیشتری پیدا کنند.

**۳. ضرورت تحول:** بپذیریم همه مباحثی که مطرح می‌گردد مطالب ناروا نیست و در میان آن حقایقی وجود دارد که باید برای آن چاره اندیشی کرد. انقلاب اسلامی در دهه پنجم خود قرار دارد و زمان برای آسیب شناسی دقیق با هدف تحول و ارتقاء سطح کارآمدی نهادها و سازمان‌های کشور فرارسیده است. به نظر می‌رسد این نگاه تحولی یکی از ضروریات تاریخی عبور از مرحله سوم انقلاب اسلامی که تشکیل دولت اسلامی است، باشد! دوره تحقق دولت اسلامی به طول انجامیده و موانع موجود مانع از تحقق آن شده است که برای انجام این مهم باید با روحیه انقلابی به میدان نقد و بررسی و آسیب شناسی وارد شد.

## تحلیل اجتماعی

### وضعیت جامعه ایران در سال ۱۴۰۲

#### مقدمه:

این یک سوال مهم و جدی و بنیادی است که جامعه ایران در سال ۱۴۰۲ شمسی چه وضعیتی دارد؟ ما با چگونه جامعه ای مواجه هستیم؟ یک جامعه معترض؟ جامعه ای سرخورده و افسرده و ناامید یا امیدوار و بانشاط؟ روندهای جامعه چگونه رندهایی است و به چه سمت و سویی حرکت می کند؟ مسائل مهم جامعه چه مسائلی است؟ نسبت جامعه با حاکمیت و نهادهای حاکمیتی چگونه است؟ در پاسخ به این سوال ها رسانه های غربی و اپوزیسیون پاسخ ها و پیام های مشترکی را صادر می کنند و به صورت کلی یک جامعه فروپاشیده ، افسرده و ناامید و خشمگین را تصویر می کنند. این پیام واحدی است که با صداها و تصویرها و جملات مختلف درباره جامعه ایران از سوی اپوزیسیون ساخته شده و از سوی اصلاح طلبان ساختارشکن هم در داخل کشور دنبال می شود. در این مطلب تلاش

می‌کنیم تا نمایی کلی از آنچه در جامعه می‌گذرد را تشریح کنیم و سپس در قالب جمع بندی به سوالاتی که در مقدمه آورده شده است، پاسخ دهیم.

### روندهای افکار عمومی به ما چه می‌گویند؟

در این بخش ابتدا به بررسی اجمالی روندهای اجتماعی در طول دهه گذشته می‌پردازیم تا فراتر از افکارسنجی درباره نگرش اجتماعی به نتیجه برسیم و سپس کمی درباره وضعیت افکار عمومی در مقطع کنونی اشاره می‌کنیم.

### مجموعه پیمایش‌ها و افکارسنجی‌ها در دهه اخیر به ما می‌گویند؛

۱- رابطه میان سیاست خارجی با اقتصاد و سیاست داخلی از ابتدای دهه ۹۰ تا کنون کم‌رنگ‌تر شده است. بالا رفتن وزن مفاهیمی چون عدالت و کارآمدی در اداره کشور امروز به نحو معناداری بیشتر از مساله برجام است. این روند تا اواخر دهه ۹۰ به سود گزینه توافق هسته‌ای و برجام بود.

۲- در طول ده سال گذشته در میان شخصیت‌های نظامی و سیاسی، همواره شهید حاج قاسم سلیمانی محبوب‌ترین شخصیت بوده است.

۳- روند محبوبیت اصلاح‌طلبان و اعتدال‌گرایان در طول یک دهه گذشته به مرور نزولی شده است و امروز در بدترین شرایط قرار دارد.

۴- در طول یک دهه گذشته آن‌طور که خود مردم اظهار کرده‌اند، از میزان طبقه متوسط شهری کاسته شده است به نحوی که بر اساس میزان درآمد می‌توان گفت که ۵۰ درصد جامعه درآمد زیر ۱۰ میلیون تومان دارند و در دهک‌های پایین قرار دارند. دهک‌های میانی جامعه حدود ۳۰ درصد را شامل می‌شود.

۵- در سال های پایانی دهه ۹۰ و آغاز ۱۴۰۰ وضعیت سرمایه اجتماعی دچار آسیب شده بود که اوج آن به پاییز و زمستان سال ۱۴۰۱ بازمی گردد. حذف ارزش ترجیحی در دو سال گذشته تاثیر زیادی در نزول سرمایه اجتماعی داشته است.

۶- مصرف رسانه ای - سیاسی جامعه ایران بر اساس برآوردهای مختلف به ترتیبی است که شبکه های اجتماعی رشد فراوانی داشته و مصرف ماهواره را به زیر ده درصد رسانده است. در حالی که صدا و سیما همچنان با وجود روند نزولی مهم ترین رسانه کشور است و بین ۳۵ تا ۴۰ درصد مخاطب سیاسی دارد. میزان مصرف سیاسی - رسانه ای در تلگرام و واتساپ و اینستاگرام بین ۲۵ تا ۳۰ درصد است.

۷- برآوردهای مختلف نشان می دهد که حدود ۵۰ درصد از مردم در صورت بروز نشانه های کنترل تورم، بهبود وضعیت اشتغال، کنترل قیمت ارز و شکل نگرفتن دوقطبی ها و التهاب های اجتماعی هیچ تمایلی به خروج از چارچوب های نظام سیاسی ندارند و می توانند مخاطب جدی جمهوری اسلامی باشند. علاوه بر این میزان حدود ۳۰ درصد از جامعه به صورت جدی مدافع سیاست های جبهه انقلاب می باشند که این عدد در صورت اقدامات درست قابل افزایش می باشد.

۸- روند مهاجرت طبقه متوسط و نخبگان و دانشجویان در سال های اخیر افزایش یافته که این روند در تمایل این اقشار قابل مشاهده است. به نحوی که برخی پیمایش ها نشان می دهد که میل به مهاجرت در بیش از ۵۰ درصد از دانشجویان زیاد و تا حدودی وجود دارد.

۹- اعتماد مردم به نهادهای نظامی و انتظامی در سطح بسیار بالایی قرار دارد و مردم نمره بالایی به حاکمیت در برقراری امنیت در مرزهای کشور داده اند.

## وضعیت افکار عمومی در یک سال اخیر

علاوه بر روندهای اجتماعی در دهه اخیر که حاصل نگرش افکار عمومی به مسائل مختلف است اما در یک سال گذشته نظر جامعه به موضوعات مختلف هم قابل تحلیل و حاوی نکات جالبی است که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

۱- برآوردها از میزان مشارکت در انتخابات مجلس شورای اسلامی در اواخر مهر ماه ۱۴۰۲ چیزی در حدود ۳۵ درصد در کل کشور است. این رقم در تهران تفاوت معناداری دارد.

۲- نظرسنجی‌ها نشان می‌دهد که در صورت ائتلاف میان نیروهای جریان انقلاب به احتمال فراوان این جریان سیاسی برنده انتخابات مجلس دوازدهم خواهد بود.

۳- نگرش مردم به آینده اقتصاد کشور در تابستان امسال نسبت به بهار کمی بهتر شده است. برخی پیمایش‌ها نشان می‌دهد که؛ از درصد افراد بدبین نسبت به قدرت خرید خانواده در ماه‌های پیش‌رو در تابستان نسبت به بهار کاسته شده است. این اتفاق درباره بیکاری هم افتاده است.

۴- یک نظرسنجی در تابستان ۱۴۰۲ نشان می‌دهد که میزان نفرت مردم از آمریکا و انگلستان بسیار بالاست و مردم این دو کشور را دشمنان ایران می‌دانند. در عین حال کشورهای عراق و چین و ترکیه را دوست ایران می‌پندارند.

۵- اکثریت جامعه ایران طبق برخی پیمایش‌ها مالکیت سرزمین‌های اشغالی را با فلسطینی‌ها می‌دانند و در عین حال معتقدند که در یک سال آینده جنگی بین



ایران و اسرائیل صورت نمی گیرد. اکثریت مردم، تضعیف رژیم صهیونیستی را به سود منافع کشور می دانند.

۶- برخی پیمایش ها درباره موضوع حجاب انجام شده که به گوشه ای از نتایج آن اشاره می شود؛

الف: بیش از ۵۰ درصد از جامعه دلیل کاهش حجاب را اعتراض به مسائل اقتصادی می دانند.

ب: بیش از ۶۰ درصد مردم اعتقاد دارند که زنان باحجاب در جامعه امنیت و احترام بیشتری دارند.

ج: ۷۰ درصد از جامعه عنوان کرده اند که در صورت آزادی قانونی حجاب، پوشش کامل سر خواهند داشت و ۱۹ درصد هم عنوان کرده اند که پوشش بخشی از موی سر را رعایت می کنند.

د: حدود ۸۰ درصد جامعه، حجاب را یک واجب شرعی می دانند.

۷- به صورت کلی مردم نسبت به اوایل و اواسط دهه نود به میزان بیشتری از فضای سیاسی و شخصیت های سیاسی گریزان هستند و از نهادهای سیاسی توقع کمتری برای حل مشکلات دارند.

۸- شخصیت ها و گروه های اصلاح طلب در سطح جامعه از مقبولیت برخوردار نیستند و به تعبیری رابطه آنها با طبقه متوسط جدید کمرنگ تر از همیشه شده است.

۹- در پایان تابستان سال ۱۴۰۲ تنها حدود ۱۳ درصد از دانشجویان احتمال بروز اعتراضاتی مانند سال ۱۴۰۱ را می دادند.

۱۰- در یک پیمایش، ۴۸ درصد از پاسخگویان معتقدند که قوانین کشور باید بر اساس اصول اسلامی باشد. حدود ۲۰ درصد هم معتقدند که قوانین باید بر اساس اصول اسلامی و نظر مردم باشد که در مجموع حدود ۷۰ درصد معتقد به منبع بودن شریعت در تدوین قوانین می باشند.

### جمع بندی و نتیجه گیری

اگر دهه ۹۰ را به عنوان یک بازه مهم و قابل اعتنا در بررسی افکار عمومی در نظر بگیریم، می توان آن را دارای چند نقطه عطف دانست؛

۱- شروع تحریم های مالی، نفتی و تجاری دولت اوباما

۲- انتخابات سال ۹۲ و ۹۶

۳- خروج ترامپ از برجام و وقایع سال ۹۸

۴- انتخابات سال ۱۴۰۰

۵- ناآرامی های سال ۱۴۰۱

در مقطع اول، شاهد وابسته شدن اقتصاد و سپس سیاست داخلی ایران به سیاست خارجی بودیم که خود منجر به پیروزی حسن روحانی در دو انتخابات و پدید آمدن برجام شد. اگر در دو سال ابتدایی دهه نود شاهد نارضایتی در سطح جامعه و آشفتگی اقتصادی بودیم اما در فاصله سال های ۹۲ تا ۹۷ تا حدودی شرایط اجتماعی و اقتصادی بهتر بود و ادراک مردم نسبت به حال و آینده امیدوارکننده بود. از مقطع سوم که با خروج ترامپ از برجام آغاز شد و افزایش شوک آمیز تورم، میزان نارضایتی جامعه بالا رفت که به صورت واضح بخش شورش خود را در ناآرامی سال

۹۸ نشان داد و بخش سیاسی آن در کاهش مشارکت انتخاباتی دو سال ۹۸ و ۱۴۰۰ نمایان شد. در دو سال پس از انتخابات ریاست جمهوری و پس از حاکم شدن اصول گرایان بر دو قوه مجریه و مقننه، ابتدا حذف ارز ترجیحی، امیدواری های ابتدایی به اقدامات اجرایی را کاهش داد و سپس ناآرامی های سال ۱۴۰۱ و تورم شدید پایان سال بر میزان سرمایه اجتماعی نهادهای مربوطه تاثیر گذاشت. با این وجود در سال ۱۴۰۲ تا حدودی وضعیت اجتماعی آرام تر و بهتر از سال گذشته است. تورم تا حدودی کنترل شده است. تفاهم میان ایران و سعودی اقدامی مثبت آفرین در سطح منطقه بوده است و اپوزیسیون در شهریور سال ۱۴۰۲ با وجود تحرکات فراوان در تولید ناآرامی و اغتشاش شکست خورده است.

اکنون می توان گفت که انگاره فروپاشی جمهوری اسلامی در سطح جامعه با وجود تلاش فراوان اپوزیسیون و رادیکال های اصلاح طلب انگاره ای ضعیف و نحیف است. ولی در عین حال جامعه (مخصوصا طبقه متوسط) به شدت به دنبال چشم انداز برای آینده است. طبقه پایین جامعه به دنبال نقش حمایتی دولت در حوزه معیشتی و اقتصادی است. جامعه با روش های خشن و رادیکال موافق نیست و همراهی نمی کند و برخی اتفاق ها مانند کاهش قیمت خودرو یا ثبات در قیمت مسکن و یا کنترل قیمت ارز موجب امیدواری آنهاست. مجموعه پیمایش ها و داده ها و روندها نشان می دهد که در صورت همکاری سه قوه و وحدت در استراتژی، امیدواری مردم به جریان انقلاب در حل مشکلات بیشتر خواهد شد. انتخابات مجلس دوازدهم از این جنبه می تواند نمادی از وحدت برای کارآمدی و حل مساله قرار گیرد و خود را مخاطب جدی فرمایش رهبر انقلاب مبنی بر حرکت به سمت قله قرار دهد. در این میان تلاش جریان مقابل که متاسفانه از سوی برخی طیف های اصول گرایی هم

دنبال می شود، تخریب مجلس یازدهم و زیر سوال بردن ایده همکاری میان قوا است.

با توجه به تحولات جهانی، شکست اپوزیسیون، پیروزی های جبهه مقاومت ، تجربه مجلس یازدهم و دو سال عملکرد دولت ، انتخابات مجلس دوازدهم می تواند بستری برای افزایش قدرت کشور با توجه به رویکردهای مختلف جریان اصول گرایی باشد. در این میان پرهیز از تفکرات رادیکال و تفرقه افکن و انشعابی که موجب کشیده شدن اختلاف به داخل جریان می گردد در کنار ایجاد چشم انداز بر اساس کارآمدی و پیشرفت در آینده کوتاه و بلند از رموز تثبیت قدرت جریان انقلاب خواهد بود.

## حوزه مقاومت و بین الملل

### شکست راهبردی صهیونیست ها نقطه عطف تاریخی مقاومت

عجیب نیست که رژیم صهیونیستی و حامیان آن بویژه امریکا از وضعیتی که در پی عملیات مقاومت فلسطین گرفتار آن شده اند، بسیار شوکه و آسیب پذیر باشند. همچنان که حامیان آرمان فلسطین و مقاومت در منطقه و سراسر جهان به خاطر آنچه رخ داد و فراتر از انتظارشان بود، احساس شادی می کنند.

مقاومتی که آغاز راهش با ابزارهای ابتدایی بود و توانست به مرور و به دور از جهان به تنهایی مراحل پیشرفت را کسب کند این توانمندی را دارد که تقریباً باعث تخریب روحیه رژیم می شود که همچنان شکست ناپذیری خود را به رخ می کشد. بطور مشخص در این مورد تخریب روحیه عامل اصلی عمر کشورها است و انگیزه روانی عامل پیروزی در برابر انواع بی عدالتی های ظالمانه تلقی می شود.

شکستی که «رژیم صهیونیستی» از طوفان الاقصی توسط جنبش مقاومت اسلامی حماس متحمل شد جنبه‌های متعددی دارد، اما این شکست تنها یک شکست تاکتیکی نیست که بتوان با توجیه بر آن سرپوش گذاشت، بلکه با توجه به اصل و اساس وجودی و ماهیت رژیم اشغالگر قدس به لحاظ فنی، امنیتی، نظامی و اعتقادی و تضادی که با محیط پیرامونی خود دارد، دچار ضربه‌ای جبران ناپذیر شده است.

### اول: شکست اطلاعاتی و عدم توانمندی در پیش‌بینی

این اولین بار نیست که رژیم اشغالگر قدس با وجود برخورداری از امکانات فنی و سایبری و پشتیبانی و هماهنگی قدرت‌های جهانی در نبرد اطلاعاتی با مقاومت شکست می‌خورد. چنانچه پیشتر نیز حفره‌های امنیتی رژیم نمایان شده است. دریچه‌ای که مقاومت می‌تواند در میدان جنگ روانی از چنین مقوله برای یک جنگ طولانی بهره‌برداری کند. اما این شکست اطلاعاتی در این عملیات به لحاظ کمی و کیفی متفاوت است، زیرا با توجه به ابعاد نبرد طوفان الاقصی که مقاومت از مدتها قبل در حال آماده شدن برای آن بود، بدون اینکه دستگاه‌های اطلاعاتی رژیم صهیونیستی بتوانند آن را کشف کنند، تصویر دستگاه امنیتی رژیم که از زمان تأسیس جعلی خود را در این عرصه یک ابر قدرت ساخته بود مخدوش و تخریب کرد. به خصوص اگر در نظر داشته باشیم که پیروزی‌های رژیم صهیونیستی مقابل جنبش آزادی بخش فلسطین (ساف) در گذشته ابتدا با اشراف اطلاعاتی پیش از ورود به فاز درگیری

مسلحانه انجام می‌گرفت. شرایط کنونی میزان خسارات را تا حد زیادی آشکار می‌کند و آن را به یک شکست استراتژیک مبدل کرده و نتایج و پیامدهای زیادی در سطح منطقه با وسعتی زیاد خواهد داشت.

## دوم: شکست نظامی روی زمین

عملیات مقاومت در غلاف غزه همچنين هيمنه افسانه شکست ناپذیر بودن ارتش رژیم صهیونیستی را شکست، ارتشی که به آخرین فناوری‌های نظامی چه از درون رژیم و چه توسط حامیان غربی آن که ماشین جنگی رژیم را برای مقابله با فلسطینیان تجهیز می‌کنند، مجهز شده است. نبرد طوفان الاقصی از هفتم اکتبر به وضوح نشان داد که نیروی نظامی دولت اشغالگر علی‌رغم فناوری پیشرفته‌ای که در اختیار دارد، به‌خاطر فقدان روحیه، شکست‌پذیر و شکننده است. این همان موضوعی است که عبدالوهاب المسیری در نوشته‌هایش آن را تأیید کرده بود و به‌ویتنام بودن رژیم صهیونیستی اشاره داشت. شکست نظامی رژیم صهیونیستی فقط محدود به شکست در عملیات زمینی حاصل از عملیات طوفان الاقصی نیست بلکه تا شکست در سطح سیاسی و امنیتی نیز کشیده شده است. حمایت بی‌حد و حصر آمریکا از تل‌آویو نشان‌دهنده این است که پیروزی رژیم صهیونیستی همیشه به قدرت‌های بین‌المللی وابسته بوده است. شکست نظامی این رژیم در واقع کاهش قدرت آنها را نشان داده و ثبات آنها را در منطقه در معرض تهدید قرار می‌دهد.

نقیصه‌ای که به سبب این عملیات در این رژیم آشکار شد، نشان از هم پاشیدگی ماهوی آن است زیرا شکست روحیه در ارتش در واقع بیانگر شکست کل موجودیت «رژیم صهیونیستی» است که این امر بیانگر یک شکست راهبردی است. این در حالی است که سطح قدرت، تجهیزات و فناوری بین ارتش منظمی که تحت حمایت قدرت‌های غربی است و مقاومتی که نزدیک به دو دهه در حصر همه‌جانبه است وجود ندارد و قابل قیاس نیست. به این دلیل است که ما ارتش منظم تحت حمایت همه قدرت‌های غربی و عمدتاً آمریکا را در مقابل مقاومتی که نزدیک به دو دهه در محاصره همه‌جانبه بوده است، مقایسه نمی‌کنیم. با در نظر گرفتن این موضوع، برای بررسی تحول کیفی باید در دو جهت این موضوع مورد ارزیابی قرار گیرد:

## زوال از درون

اگر به تاریخچه کشتارهایی که توسط گروه‌های صهیونیستی در دوران اشغال پایه‌گذاری شده است و ارتش اشغالگری که قدرت خود را از جنگ با کشورهای همسایه و تصاحب اراضی فلسطینیان به دست می‌آورد، بنگریم، می‌توان به عمق روایاتی که در آن گرایش ملی و مذهبی با امر سیاسی در هم آمیخته است پی برد. این همان ارتشی است که آمریکا برای حفظ برتری خود بر کشورهای عربی تلاش کرده است آن را به هر قیمتی حفظ کند.



## اهمیت مقاومت

کافی است به این نکته توجه کرد، مادامی که در نبرد کنونی شاهد تحولی چشمگیر و رو به جلو نباشیم، مشکلات ناشی از آن برای رژیم صهیونیستی نیز بیشتر می‌شود و موجب شکست و از هم پاشیدگی درونی آن خواهد شد. تاب‌آوری رژیم اشغالگر کاهش یافته و نگرانی غرب و امریکا از این موضوع نیز ملحوظ است. چنانچه فروپاشی رژیم به لحاظ راهبردی نیز متصور است زیرا در صورت عدم تحقق شرایط لازم برای ثبات هر دو طرف و با توجه به شرایط منطقه‌ای و بین‌المللی و وجود کشورهای عربی پیرامون رژیم صهیونیستی در منطقه، پشتیبانی و حفاظت از چنین رژیمی مشروط به داشتن آزادی هر دو طرف و داشتن حاکمیت برای تحقق این امر است که فقدان این مسأله در میان مدت مشهود است.

### رژیم صهیونیستی دیگر مکانی امن برای آنها نیست

به لحاظ سیاسی، دولت اشغالگر صهیونیستی از وضعیتی نابهنجار رنج می‌برد که شامل موارد متعددی می‌شود، شهرک‌نشینانی که به آنها وعده بهشت در زمین داده شده بود، دیگر در درازمدت از امنیت و ثبات بالایی برخوردار نیستند، زیرا در درون دچار آشفتگی سیاسی، جناحی و حزبی شده و گرایش‌های مختلف یهودیان چه مذهبی، چه سکولار و چه راست افراطی خود را در معرض رویارویی تمام‌عیار با فلسطینیان می‌بینند. از این پس انتفاضه در اراضی اشغالی فلسطین با آگاهی فلسطینیان نسبت به حق خود با شتاب بیشتری افزایش یافته و انسجام و وحدت ملی را بین آنها فزونی داده است. از سوی دیگر، اسرائیلی‌ها به دلیل

شکاف‌های اجتماعی دچار فقدان امنیت و ثبات می‌شوند. به دلیل تداوم درگیری‌ها و شدت مقاومت، مهاجرت معکوس از اراضی اشغالی فلسطین بویژه در میان ثروتمندان در حال افزایش است. چنین به نظر می‌رسد که وعده‌های ثبات، امنیت و آسایشی که به شهرک‌نشینان داده شده است، اکنون به دلیل تشدید تنش‌ها و درگیری‌های خشونت‌بار در هاله‌ای از ابهام قرار دارد.

### بن بست عادی سازی

ریشه‌دار بودن فلسطینی‌ها در سرزمین فلسطین و از بین رفتن شرایط عادی‌سازی روابط و حفظ ریشه مسأله فلسطین در احساسات عربی-اسلامی، همه این موارد منعکس‌کننده بحرانی عمیق در ارتباط با موجودیت رژیم صهیونیستی است. نبرد طوفان الاقصی توانست احساسات عربی-اسلامی را مجدداً در یک راستا متحد کرده، چنانچه توانست باور و اهمیت به مقاومت به‌عنوان یک اصل مقدس در زندگی فلسطینی‌ها را متبلور کند. همچنین گزینه صلح که بیشتر از آنچه باید به فلسطینی‌ها کمک کند در خدمت رژیم صهیونیستی به‌عنوان عاملی برای ثبات و امنیت رژیم بود، اکنون شکست خورده است.

## نقش آمریکا در جنایت های رژیم صهیونیستی در غزه

بیانات رهبر حکیم انقلاب با نخبگان، چند نکته کلیدی و راهبردی در باره جنگ اخیر غزه داشت که در تحلیل وقایع کنونی و آینده بسیار مهم است. این نکات مهم که تبیین آن توسط نخبگان می تواند چشم انداز تحولات آینده را به درستی ترسیم کند، عبارتند:

۱- شواهد و قرائن حکایت از بهت و حیرت ادامه دار نظام اطلاعاتی و امنیتی حتی سیستم اجرایی رژیم جعلی صهیونیستی دارد. گویا سیستم عصبی دولت نتانیا هو (دولت دیوانگان) مختل شده و قدرت هرگونه تصمیم گیری را از دست داده است. سفر اخیر مقامات آمریکایی به ویژه « بایدن » و « بلینکن » و حضور او در جلسات دولت و اطاق عملیات رژیم جعلی، حکایت از این دارد که آمریکا عملاً کنترل دولت متزلزل صهیونیستی را به دست گرفته تا با هزینه کمتر او را از این باتلاق نجات دهد. آمریکا اگرچه در این مرحله حضور نظامی مستقیم ندارد اما هدایت پشت صحنه دولت و ارتش را در دست گرفته است که در سفر بایدن به سرزمین های اشغالی و لورفتن چهره های نیروهای ویژه « دلتا فورس » در اسرائیل نشان از دخالت و هدایت آمریکا در جنایات وحشیانه رژیم صهیونیستی در غزه دارد.

رهبر معظم انقلاب در این باره فرمودند: «آن طوری که اطلاعات متعدد به ما می گوید سیاست جاری این روزها یعنی همین هفته ی اخیر داخل رژیم صهیونیستی را آمریکایی ها دارند تنظیم می کنند، یعنی سیاست گذار آنها

هستند. کارهایی که دارد انجام می‌گیرد سیاست آمریکایی‌هاست. آمریکایی‌ها مسئولیت خودشان را مورد توجه قرار بدهند، مسئولند.»

**بنابراین لازم است در تحلیل‌هایی که این روزها داده می‌شود، به این نکات باید توجه داشت:**

الف) در کنار ددمنشی رژیم صهیونیستی باید نگاه‌ها به سمت آمریکا به عنوان مدیر و سیاست‌گذار صحنه دوخته شده و نقش شیطان بزرگ به درستی تبیین شود و افکار عمومی، دولت بایدان را مسئول اصلی حوادث پس از این مقطع بداند.

ب) موجی از انتقادات باید به سمت دولتمردان آمریکایی گسیل شود و عموماً آنها را باید مسئول اصلی بمباران غزه معرفی کرد.

ج) وقتی آمریکا اینچنین نقش‌آفرینی می‌کند باید تبعات دخالت‌های ظالمانه خود را در کشتار مردم بیگناه غزه بداند و منتظر عواقب حال و آینده اقدامات خود در فلسطین و خارج از آن خصوصاً پایگاه‌ها و سفارتخانه‌های خود باشد. (همانگونه که در چند روز اخیر شاهد شلیک چند موشک حشدالشعبی عراق به پایگاه آمریکایی‌ها در «عین الاسد» و زخمی شدن چند تن از آنها در این پایگاه بودیم.)

د) آمریکا و اسرائیل مسئول توسعه میدان نبرد و افزایش بازیگران آن هستند، چنانچه بمباران غزه فوراً متوقف نشود، هر زمان ممکن است یک یا چند گروه دیگر خط مقاومت وارد میدان نبرد شوند و در هر کشوری بر علیه منافع اسرائیل یا آمریکا حادثه امنیتی رخ دهد.

ه) آمریکا و اسرائیل به خوبی میدانند اگر هشدار صریح رهبری در توقف فوری بمباران غزه را عملیاتی نکنند باید شاهد توسعه میدان نبرد باشند که در این صورت، هزینه‌های گزافی را بر شکست مفتضحانه خود تحمیل می‌کنند. (هشدار « جو بایدن» به مقامات صهیونیستی در سفر به تل آویو مبنی بر اینکه گستره جنگ را به مناطق دیگر نکشانید و مراقب اتفاقات بعد از عملیات طریق الاقصی باشید و تاکید بر اینکه ما خشم خودمان را بعد از ۱۱ سپتامبر کنترل نکردیم و دچار گرفتاری های پس از ۱۱ سپتامبر شدیم، نشان می دهد آمریکا نگران اعتبار خود و هزینه هایی است که از این پس خواهد داد.)

۲- در حال حاضر، احتمال حمله زمینی به غزه را باید ضعیف بدانیم. بعد از این، آمریکا و اسرائیل یقین دارند که در صورت حمله زمینی به غزه (در هر حجمی و وسعتی) منجر به ورود عملی دیگر بازیگران خط مقاومت می‌شود. ورود دیگر بازیگران خط مقاومت یعنی تسریع در نابودی و حذف کامل رژیم خبیث صهیونیستی.

نکته مهم اینکه؛ اگر رژیم جعلی صهیونیستی قصد حمله زمینی به غزه را داشت، مقدمات میزبانی بایدن را فراهم نمی‌کرد.

## چرا رژیم صهیونیستی نمی تواند به غزه حمله زمینی کند؟

رژیم صهیونیستی هیچ گاه در طول حیات منحوس و جعلی خود همانند برهه کنونی در تنگنا قرار نگرفته بود. وضعیت این رژیم در مناطق اشغالی فلسطین بیش از گذشته ناپایدار شده است. ارتش رژیم صهیونیستی اعلام کرده است که حداقل ۱۰۰ هزار نیرو را پشت مرز غزه مستقر کرده و تجهیزات و تانک های نظامی، در پشت مرز غزه آرایش نظامی گرفته اند. رژیم با این آرایش نظامی در مرز غزه از همان روز اول حمله هوایی و موشکی، همواره تلاش می کند تهدید به حمله زمینی خود به غزه را تهدیدی معتبر جلوه دهد. روزنامه صهیونیستی هاآرتص نیز قبل از سفر نتانياهو و دیدار با مقامات صهیونیستی اعلام کرد که نتانياهو در تماس تلفنی با «جو بایدن»، رئیس جمهور آمریکا اعلام کرده که تصمیم به ورود زمینی به غزه را دارد که برخی معتقدند بایدن مقامات این رژیم را از این اقدام پرهیز داده است.

از سوی دیگر، ارتش رژیم صهیونیستی دست به تحرکاتی پشت مرز غزه زده و نیروهای احتیاط بسیاری را فراخوانده است. بر اساس گزارش منابع عبری حداقل ۳۰۰ هزار نظامی به خدمت احتیاط فراخوانده شدند که بیشترین تعداد فراخوانی نیرو در تاریخ اسرائیل است. از سوی دیگر «یواو گالانت»، وزیر جنگ رژیم صهیونیستی اعلام کرد که جنگ علیه غزه حداقل چند هفته به طول خواهد انجامید.

در شرایط فعلی ، به نظر نمی‌رسد که صهیونیست‌ها به راحتی قادر به ورود زمینی به درون نوار غزه را داشته باشند. در ارتباط با ورود زمینی ارتش رژیم صهیونیستی برخی موانع جدی وجود دارد که این موانع را می‌توان چنین برشمرد:

## ۱- وجود اسرای صهیونیست در غزه

بی‌تردید مهم‌ترین مانع ورود رژیم صهیونیستی وضعیت اسرای این رژیم است که اکنون در اختیار نیروهای مقاومت فلسطین قرار دارد. منابع صهیونیستی تعداد اسرای اسرائیلی در دست حماس را تا ۱۰۰۰ نفر اعلام کرده‌اند و در مقابل نیروهای مقاومت فلسطینی تعداد اسرا را بسیار بیشتر می‌دانند. براساس گزارش منابع عبری‌زبان حداقل ۷۵۰ اسرائیلی در جریان حمله برق‌آسای عملیات طوفان الاقصی ناپدید شده‌اند و احتمال این که بخشی از این مفقودشدگان در میان اسرا در اختیار نیروهای فلسطینی باشند، بسیار زیاد است. ورود زمینی ارتش رژیم صهیونیستی به باریکه غزه می‌تواند به قیمت جان اسرای صهیونیست منجر شود و هزینه چندبرابری را روی دست اشغالگران به جا گذارد. از این رو، تعداد بسیار زیاد اسرا و فشار خانواده‌های آنان برای حفظ سلامتی و جان اسرا یکی از موانع ورود زمینی صهیونیست‌ها به باریکه غزه است .

## ۲- بافت جمعیتی پیچیده غزه

نوار غزه با جمعیت ۲ میلیون و ۲۰۰ هزار نفری خود یکی از پرتراکم‌ترین مناطق جهان است. در این باریکه جغرافیایی ساختمان‌های چند طبقه و کوچه‌ها و خیابان‌های تو در تو بسیار زیاد است. در این وضعیت متراکم، جنگ شهری برای صهیونیست‌ها بسیار دشوار خواهد بود و از نظر جغرافیایی امکان پیشروی زمینی

چندان میسر نیست، چون کمین چریک‌ها و نیروهای تک‌تیرانداز در ساختمان‌ها می‌تواند باعث جلوگیری از پیشروی نیروهای ارتش رژیم صهیونیستی در شهرهای نوار غزه شود.

### ۳- فشار بین‌المللی و افکار عمومی جهان

اشغال باریکه غزه هم‌چنین با واکنش منفی و احتمالی متحدان اروپایی رژیم جعلی منجر خواهد شد. بیشتر کشورهای اروپایی، شهرک‌سازی صهیونیست‌ها در کرانه باختری را به عنوان اشغالگری می‌دانند و با توجه به قطعنامه سازمان ملل، باریکه غزه را متعلق به فلسطینی‌ها دانسته و مخالف اشغال این منطقه از سوی صهیونیست‌ها هستند. از این رو اروپا با تل آویو در جهت اشغال غزه همراهی زیادی ندارد.

### ۴- احتمال واکنش منفی جهان عرب به ویژه کشورهای حوزه مقاومت

در جهان عرب همدلی و همراهی زیادی از سوی شهروندان با عملیات نیروهای حماس در مناطق اشغالی جنوب وجود دارد و شهروندان عربی حتی انتظار دارند که عملیات مقاومت فلسطین تا آزادی قدس ادامه یابد. همدلی شهروندان عرب با مقاومت فلسطین باعث شده تا دولت‌های عربی نیز واکنش محتاطانه‌ای به تحولات فلسطین داشته باشند و حتی کشورهایی مانند بحرین و امارات که روابط خود را با تل آویو عادی‌سازی کرده‌اند، اما عملیات نیروهای فلسطینی در جنوب اسرائیل را محکوم کردند. از سوی دیگر ورود صهیونیست‌ها به نوار غزه می‌تواند با محکومیت دولت‌های عربی نزدیک به تل آویو هم منجر شود و در عمل روند عادی‌سازی روابط تل آویو با دولت‌های عربی را مختل سازد.



## ۵- هراس از واکنش محور مقاومت

یکی از مشکلات اصلی صهیونیست‌ها برای شروع عملیات زمینی به سطح واکنش گروه‌های مقاومت به ویژه حزب‌الله لبنان برمی‌گردد. در شرایط کنونی حزب‌الله لبنان در جبهه شمالی عملیات‌های پراکنده‌ای علیه اسرائیل انجام داده است و بیشتر این عملیات هشدارهایی برای ممانعت از عملیات زمینی است. رژیم غاصب، نیز هنوز خاطره شکست در سال ۲۰۰۶ در جنگ ۳۳ روزه در برابر حزب‌الله را مقابل خود می‌بیند. در صورت شروع عملیات زمینی، حزب‌الله لبنان می‌تواند با ورود به این جنگ تمامی معادلات را تغییر دهد. ایران نیز تهدید کرده است که صبر مقاومت حدی دارد.

با توجه به ۵ عامل مطرح شده، ارتش رژیم صهیونیستی مسیر بسیار دشواری برای ورود زمینی به نوار غزه دارد و حتی تهاجم زمینی به نوار غزه می‌تواند به همراهی بیشتر جهانی با نیروهای مقاومت فلسطین نیز منجر شود. واقعیت این است که رژیم صهیونیستی متحمل سنگین‌ترین شکست تاریخ ۷۵ ساله خود شد، شکستی که به تعبیر رهبر معظم انقلاب «غیرقابل ترمیم» است. رژیم صهیونیستی سعی دارد غزه به‌خصوص بخش شمالی آن را اشغال کند، اما نه صحنه داخلی رژیم و نه توان و قدرت نظامی گروه‌های مقاومت و نه غیرت و استقامت مردم غزه، امکان اشغال غزه را فراهم نمی‌کند. در جنگ ۵۱ روزه رژیم صهیونیستی علیه غزه ۲۱۵۸ شهروند فلسطینی شهید و بیش از ۱۱ هزار نفر نیز زخمی شدند، زیرساخت‌های غزه تخریب و شرایط زندگی برای مردم غزه سخت‌تر شد، اما مقاومت آنها و اثبات این موضوع که از سرزمین و آرمان‌های خود تا پای جان دفاع می‌کنند، سبب شد صهیونیست‌ها خواهان برقراری آتش‌بس باشند و البته به این نتیجه برسند که هیچ‌گاه در جنگ‌ها

پیروز نخواهند شد. اکنون نیز اگرچه رژیم صهیونیستی طی روزهای آینده ممکن است حتی بر شدت حملات خود بیفزاید، اما رویای اشغال غزه محقق نخواهد شد و جنگ زمینی نیز باتلاقی برای رژیم صهیونیستی خواهد بود. لذا با افزایش تلاش‌های میانجی‌گرایانه و هم‌چنین ترس رژیم صهیونیستی از فعال شدن دیگر جبهه‌ها و گروه‌های مقاومت، امکان آتش‌بس وجود دارد.

## چگونه عملیات غافلگیرانه طوفان الاقصی را تحلیل کنیم

با گذشت بیش از ده روز از عملیات طوفان الاقصی و ادامه یافتن درگیری‌ها در غزه و شهرک‌های صهیونیستی، به نظر می‌رسد اکنون این امکان را خواهیم داشت تا تحلیل‌های بیشتر و جامع‌تری را ارائه دهیم. آنچه در این میان مهم است این است که این روزها با گزارش‌ها و تحلیل‌های مختلفی در رسانه ملی، فضای مجازی و مطبوعات مواجه هستیم که از منابع مختلف، نکات تحلیلی را در اختیار این رسانه‌ها قرار می‌دهد. اما آنچه مهم‌تر است نحوه ورود و خروج در مباحث و نکاتی است که در این تحلیل‌ها باید مورد توجه واقع شود.

### محورهای مورد تأکید بر ویژگی‌های مهم این عملیات:

۱- اصل غافل‌گیری و تأکید بر این نکته که هیچ‌کس تا لحظات ابتدایی شکل‌گیری این حمله، در سرزمین‌های اشغالی، خبر نداشت و حتی سرویس‌های اطلاعاتی غربی مانند سیا و MI6 هم از این عملیات مطلع نشدند.

۲- بیان کردن دلایل انتخاب زمان فعلی برای انجام عملیات طوفان الاقصی (در سالگرد جنگ یوم کیپور و حمله سال ۱۹۷۳ به رژیم صهیونیستی). هم‌چنین انجام این عملیات در ایام تعطیلات و عید یهودیان برگزار شد.

۳- بیان ویژگی اصلی این عملیات که «طراحی پیچیده» آن و هم‌چنین ترکیبی بودن این عملیات است (به‌عنوان مثال به این مسائل اشاره شود که این عملیات نظامی از طریق هوا، از طریق تونل‌های زیر زمینی و از طریق عبور از حصارها به صورت زمینی انجام شد و هیچ‌کدام از این موارد را رژیم صهیونیستی نتوانست پیش‌بینی کند).

۴- تأکید بر این نکته که مقاومت در این عملیات آفندی عمل کرد و نه پدافندی و این مسأله نشان می‌دهد که نیروهای مقاومت در غزه خود با اعتماد به نفسی که در این عملیات گرفته‌اند، به احتمال زیاد برای موارد بعدی نیز با موفقیت و اعتماد به نفس بیشتری عملیات‌های نظامی را هدایت خواهند کرد و دیگر ترسی از دشمن صهیونیستی در دل ندارند.

۵- اشاره به تلفات سنگین رژیم صهیونیستی و بیان این مطلب که این تلفات بیشتر از هر درگیری دیگری در طول تاریخ فلسطین در طرف صهیونیستی بوده است و این مسأله نشانی از آسیب‌پذیری بالای این رژیم در شرایط فعلی است.

۶- پرداختن به ماجرای پیشروی‌های نیروهای مقاومت در داخل سرزمین‌های اشغالی (در عمق ۲۱ کیلومتری و تصرف شهرکها) که نشان می‌دهد اگر عزم جدی در این زمینه وجود داشته باشد، پس گرفتن زمین‌های فلسطین چندان دور از انتظار و دور از دسترس نیست.

### محورهای اصلی در تحلیل اهداف عملیات طوفان الاقصی

۱- پرداختن به این نکته که این عملیات پاسخی به تعرضات مستمر رژیم صهیونیستی و افراد تندروی حاضر در کابینه نتانیاهاو به مسجد الاقصی بود که باعث هتک حرمت این مکان مقدس شده و سعی می‌شد از طریق آن حس تحقیر نیز به مسلمانان داده شود. (نامه محمد الضیف که گفته می‌شود طراح اصلی این عملیات بوده است گویای این واقعیت دارد)

۲- یکی دیگر از اهداف این عملیات که کمتر به آن پرداخته شده است، تلاش‌های مستمر حماس برای تبادل زندانیان با رژیم صهیونیستی بود که دولت نتانیاهاو

هیچ کدام از ابتکارات و طرح‌ها در این خصوص را نمی‌پذیرفت و به همین جهت این عملیات و اسرای صهیونیستی ناشی از آن می‌تواند در مسأله تبادل اسرا، کار برای مقاومت فلسطین را در مقابل دشمن آسان‌تر کند.

۳- اشاره به این که مقاومت اسلامی در همان روز اول به مهم‌ترین هدف خود - درهم شکستن سازهای امنیتی، دفاعی و اطلاعاتی رژیم صهیونیستی - رسیده است و از آن پس، رژیم صهیونیستی دچار شکست غیرقابل ترمیم شده است.

### **چگونگی پرداختن به نتایج عملیات طوفان الاقصی**

۱ - این مسأله شایان توجه است که با وجود همه تبعاتی که این درگیری نظامی می‌تواند داشته باشد، در نهایت از ابتدای این حملات مشخص بود که پیروز میدان چه کسی است و حماس با عملیات غافلگیرانه خود ثابت کرد می‌تواند یکی از مهم‌ترین عملیات‌های پیچیده نظامی را در شرایط محاصره به اجرا درآورد و در همان روز اول پیروز میدان باشد.

۲- پرداختن به شکست سنگین اطلاعاتی، امنیتی و نظامی رژیم صهیونیستی که تعداد قربانیان در طرف فلسطینی، هر قدر هم که باشد رژیم صهیونیستی نمی‌تواند ضعف اطلاعاتی و امنیتی خود را در این میان زیر سؤال ببرد.

۳- نتیجه مثبت این عملیات برای نیروهای مقاومت، تثبیت و افزایش قدرت مقاومت است که در ذهن تمام دنیا حک شده است. اگر تاکنون از مردم غزه به‌عنوان مردمی یاد می‌شد که در برابر تجاوزگری‌های صهیونیست‌ها ایستادگی

کرده اما همیشه آماج حملات نظامی هستند و قدرت و توان مقابله با این تهدیدات را ندارند. لذا از این به بعد از آنها با عنوان مردمی یاد می‌شود که می‌توانند عملیات‌های انتقام‌جویانه برگزار کرده و پیچیده‌ترین عملیات‌های نظامی را با سرعت و دقت زیادی به سرانجام برسانند.

۴- تأکید بر این نکته که این عملیات باعث به‌وجود آمدن بازدارندگی در مقابل دشمن صهیونیستی می‌شود نیز حائز اهمیت است. توازن قوا و قدرت بازدارندگی قوی، یکی از اثرات بسیار مثبت این عملیات برای حماس و نیروهای مقاومت در فلسطین بوده است. این نکته نیز حائز توجه است که رژیم صهیونیستی سعی داشت با پیشبرد مسأله عادی‌سازی روابطش با کشورهای عرب منطقه، ضمن ایجاد بازدارندگی برای خود، بازدارندگی فلسطینیان را نیز دچار فروپاشی کند اما با عملیات نظامی حماس، این بازدارندگی به نفع جریان مقاومت رقم خورد و تا مدت‌ها نیز اثرات آن ادامه خواهد داشت.

۵- پرداختن به نتایج این عملیات در داخل سرزمین‌های اشغالی نیز می‌تواند باعث تقویت اسناد در خصوص پیروزی مقاومت در این عملیات شود. در ۴۰ هفته قبل از عملیات طوفان الاقصی، هر هفته روزهای شنبه تظاهرات وسیعی علیه نتانیاهو در سرزمین‌های اشغالی شکل می‌گرفت و شکاف سیاسی موجود در بین بازیگران سیاسی این رژیم روز به روز افزایش می‌یافت. هم‌اینک نیز غافل‌گیر شدن صهیونیست‌ها از این عملیات می‌تواند به‌پای نتانیاهو، ارتش و یا نیروهای اطلاعاتی و امنیتی این رژیم نوشته شده و بعد از تمام شدن درگیری‌های نظامی، می‌تواند منجر به درگیری بزرگ در داخل سرزمین‌های اشغالی و چند دسته شدن نیروهای سیاسی شود.

نتانیا هو تا پیش از این تلاش داشت با پیشبرد لایحه اصلاحات قضایی، از زیر بار فساد مالی خود و خانواده‌اش فرار کند اما باید دید آیا نیروهای سیاسی حاضر در سرزمین‌های اشغالی در این زمینه باز هم با نتانیا هو همراه می‌شوند یا این که او باید از عالم سیاست این بار به صورت جدی خداحافظی کند. اگر قرار باشد کمیته‌ای برای بررسی این حادثه در داخل رژیم صهیونیستی ایجاد شود، مطمئناً می‌تواند مانند کمیته تشکیل شده برای بررسی دلایل شکست این رژیم در جنگ ۳۳ روزه، نتانیا هو یا دیگر مسئولان دولتی را مقصر بداند و منجر به خروج او از صحنه سیاست رژیم صهیونیستی شود.

۶- در بررسی نتایج این جنگ و میزان پیروزی حماس، نباید از تعداد کشته‌شدگان در طرف مقابل غافل بود و برشمردن آنها می‌تواند در شکسته‌شدن هیمنه رژیم صهیونیستی مفید باشد. در عین حال نباید به گونه‌ای عمل کرد که این رژیم بتواند در این خصوص مظلوم‌نمایی کند و به همین دلیل باید ابعاد تاریخی ظلم به فلسطینیان و هم‌چنین مردم غزه در رسانه‌ها به صورت مفصل بیان شود. بسیاری از افرادی که ممکن است در همین چند روز در داخل ایران، نسبت به این مسأله حساس شده و بیان کنند که در هر دو طرف نباید غیر نظامیان کشته شوند، کسانی هستند که جنگ ۳۳ روزه و دیگر درگیری‌های صهیونیست‌ها با مردم لبنان و غزه را به یاد ندارند. بنابراین بیان تاریخچه کودک‌کشی و ظلم و ستم رژیم صهیونیستی علیه مردم غزه و فلسطین و حتی لبنان و سوریه بسیار مهم است. در این میان می‌توان به جنایات این رژیم که از دید رسانه‌ها در همین ۶ ماه گذشته مغفول مانده بود، نگاه شود و بیان شود که در همین ۶ ماه گذشته (قبل از عملیات)، حدود ۳۰۰ فلسطینی،

شامل ۴۰ کودک و ۹ زن کشته شده‌اند و تعداد زیادی نیز زندانی شده‌اند که مجامع بین‌المللی در این خصوص سکوت کرده‌اند.

۷- تبیین این مسأله که شهرک‌نشینان در اصل نظامیان صهیونیستی هستند و نه غیر نظامی از اهمیت بالایی برخوردار است.

۸- در عین حال باید موضوع قدس به صورت کاملاً مشخص و کاملی در تحلیل‌های مختلف ذکر شده و مورد بررسی قرار گیرد و برجسته شود.

۹- در همین حال باید به گزارش‌های شورای حقوق بشر و سایر نهادهای بین‌المللی که بارها در طول تاریخ، رژیم صهیونیستی را به دلیل نقض حقوق بشر فلسطینیان زیر سؤال برده‌است، اشاره شود.

### چگونگی پرداختن به سناریوهای آینده

۱- از این پس چند سناریو برای ادامه این نبرد وجود دارد؛ یا رژیم صهیونیستی تحت فشار افکار عمومی در دنیا و هم‌چنین بالا رفتن میزان قربانیان و شهدا در طرف فلسطینی، مجبور به قبول آتش بس می‌شود و یا این که جنگ به جبهه‌های دیگر نیز کشیده می‌شود. به نظر می‌رسد با توجه به این که کشورهای فرامنطقه‌ای مانند آمریکا، انگیزه و توان لازم برای ورود به این جنگ را ندارند، این نبرد، ابعاد بیشتری به خود نگیرد و در داخل غزه و یا بمباران هوایی صهیونیست‌ها علیه مردم غزه ادامه یابد و بعد کم کم از حجم آنها کاسته شود.

درگیری‌های محدود میان حزب‌الله و نیروهای صهیونیستی در مرزهای شمالی سرزمین‌های اشغالی گرچه باعث می‌شود این گمانه به وجود بیاید که ممکن



است حزب الله نیز وارد میدان شود اما خویشتن داری حزب الله در این خصوص نشان داده است عزم جدی برای ورود به جنگ و یا ادامه یافتن آن وجود ندارد و البته به نفع جبهه مقاومت نیز هست که این درگیری به سرعت خاتمه یافته و درگیری‌ها در نبرد دیپلماتیک و مذاکرات برای تبادل زندانیان ادامه یابد. بنابراین چندان هم نباید بر شعله‌ورتر شدن جنگ اصرار داشت و بیان کرد پیروزی به دست آمده و باید از این پس به سمت آتش بس و رسیدن به پیروزی دیپلماتیک و رسانه‌ای علیه صهیونیست‌ها رفت.

۲- به نظر می‌رسد از این پس صهیونیست‌ها در حال آماده شدن برای پیگیری این پرونده در مجامع حقوقی باشند. بنابراین مهم‌ترین اولویت در شرایط حاضر آغاز نبرد دیپلماتیک و حقوقی علیه رژیم صهیونیستی است. درخواست از جامعه جهانی برای محکومیت این رژیم در از بین بردن غیر نظامیان، استفاده از تسلیحات ممنوعه مانند بمب‌های فسفوری و تشدید محاصره غزه و بستن آب و برق و گاز به روی مردم مهم‌ترین مسائل در نبرد حقوقی است. مسأله دیگری که باید به صورت جدی به آن پرداخته شود، درخواست‌های مسئولان رژیم صهیونیستی برای نسل‌کشی و یا انجام جنایت جنگی علیه فلسطینیان است. از این رو صحبت‌های اخیر وزیر جنگ رژیم صهیونیستی می‌تواند به عنوان جنایت جنگی در مجامع حقوقی بین‌المللی مورد پیگیری قرار گیرد.

۳- اخبار و تحلیل‌ها نشان می‌دهد که هم رژیم صهیونیستی و هم آمریکا به دنبال ادامه یافتن درگیری‌ها و یا وسیع‌تر شدن آنها نیستند و از این هراس دارند که رژیم صهیونیستی مجبور شود در چند جبهه هم در مرز لبنان، هم سوریه، کرانه باختری و غزه به جنگ برود. ارسال ناوهای آمریکایی به منطقه در همین راستا ارزیابی می‌شود

اما مقامات آمریکایی هم اعلام کرده‌اند که قصد اعزام نیرو به منطقه را ندارند و در این جنگ مشارکت نخواهند کرد. بنابراین احتمال درگیری گسترده نظامی بسیار پایین آمده است اما تهدیدهای صورت گرفته توسط عراق، ایران و یا سایر کشورهای مسلمان درباره کشیده شدن درگیری‌های نظامی به درگیری زمینی در غزه، نشان می‌دهد که صهیونیست‌ها نیز باید تصمیم‌های سختی در این خصوص بگیرند و می‌دانند نمی‌توانند غزه را تصرف کرده و یا به صورت زمینی وارد منطقه شوند. بنابراین در تحلیل روندهای آینده می‌توان به این نتیجه رسید که امکان حمله نظامی گسترده صهیونیست‌ها به نوار غزه به صورت زمینی وجود ندارد و چیزی جز هزینه بیشتر برای آنها خواهد داشت.

۴- از فرآیندهای بعدی که در اثر این نبرد نظامی به وجود می‌آید می‌توان به توقف عادی‌سازی روابط بین کشورهای عربی و رژیم صهیونیستی اشاره کرد.

### در رسانه از این بابت می‌توان به چند موضوع اشاره کرد:

الف) اعراب برای حفظ امنیت خود به دنبال عادی‌سازی روابط خود با رژیم صهیونیستی رفتند اما غافل از این که این رژیم توانایی حفاظت از خود را نیز در برابر نیروهای مقاومت ندارد و به قول رهبر معظم انقلاب نباید این کشورها بر روی اسب بازنده شرط‌بندی کنند.

ب) از سوی دیگر این مسأله باعث توقف روند عادی‌سازی روابط بین عربستان و رژیم صهیونیستی شده که این مسأله به شدت برای دولت بایدن گران تمام شده است. از هم‌اینک جمهوری خواهان، بایدن را مسئول خطر به وجود آمده برای صهیونیست‌ها می‌دانند و با توجه به بالابودن اثرگذاری لابی‌های صهیونیستی در فضای سیاسی

آمریکا، احتمال این که انتقادات به دولت بایدن نیز بالاتر رود، وجود دارد. بایدن به شدت از این مسأله نگران است زیرا می تواند باعث عدم حمایت صهیونیست ها از او در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۲۴ باشد. دلیل فرستادن ناوهای جنگی به منطقه و یا وعده ارسال ۸ میلیارد دلار کمک مالی و نظامی به رژیم صهیونیستی بر همین مبنا است اما نباید از این مسأله غافل بود که روابط آمریکا و رژیم صهیونیستی نیز به دلیل سیاست های افراطی نتانیاهو همواره شکننده بوده و تا همین چندی پیش، بایدن حاضر به دیدار با نتانیاهو در کاخ سفید نیز نبود. بررسی روابط آمریکا با رژیم صهیونیستی از این منظر بسیار جالب توجه بوده و نشان می دهد تحرکات آمریکا صرفاً جنبه نمایشی دارد.

